

رای آقای عزالمملك با ۳۴ رای آقای آقا میرزا رضاخان نائینی با ۲۹ رای آقای منتصرالسلطان و آقای ابوالقاسم میرزا هر يك با ۲۱ رای آقای لواءالدوله با ۱۱ رای آقای دکتر حاج رضاخان - آقای شیبانی . آقای کردستانی هر يك بادورای آقای لسان الحكماء آقای انتظام الحكماء آقای متمدالتجار . آقای وحید المملك . آقای كاشف آقای ادیب التجار . آقای حاج عزالمملك آقای معین الرعايا آقای علی زاده هر يك با يك رای .

رئیس - چنانچه ملاحظه میفرمائید فقط آقای ارباب کیخسرو با اکثریت تام یعنی قریب با اتفاق منتخب شده اند بنابراین باید برای دیگران تجدید انتخاب بشود .

ارباب کیخسرو - بنده قبل از آنکه این رای گرفته شود در يك ورقه نوشتم و عرض کردم که بنده قبول این خدمت را نخواهم کرد و حالا استدعا دارم که يك نفر دیگر را هم بجای بنده انتخاب نمایند .

رئیس - بنده لازم نیست که اینجا در باب آقای ارباب کیخسرو شرح مفصلي عرض کنم برای اینکه خاطر آقایان از زحماتی که میکشند بخوبی مسبوق هست و بنده بخوبی میتوانم عرض کنم که آقای ارباب کیخسرو اگر بخواهند متحمل این زحمت نشوند دور نیست که بنده هم تا يك درجه حاضر نباشم برای ریاست مجلس و در واقع میتوانم عرض کنم که نك از زحمات هیئت رئیسه را ایشان متحمل میشوند و كار هیئت رئیسه تقیبه را خیلی سهل کرده اند و بنده استدعا میکنم که استعفای خودشان را پس بگیرند .

رئیس - حالا شروع می کنم با انتخاب دو نفر مباشر دیگر .

[بطریق انتخاب سایرین اخذ رای شد] .

رئیس - آقایانی که بقرعه برای استخراج آراء انتخاب مباشرین تشریف بیاورند آقایان آقا شیخ ابراهیم . حاج سید ابراهیم . محمد هاشم میرزا مستخر جین سابق آراء و مهرها را از قرار ذیل احصا نمودند عده اوراق و مهرها ۶۹ .

رئیس - اینها در خارج استخراج میشود (مستخر جین آراء را بردند با طاق دیگر استخراج نمایند) .

رئیس - دستور راپورت کمیسیون تفسیر است ولی آقای مخبر تقاضا کرده اند بماند برای جلسه بعد بنا بر این چیز دیگری برای دستور نداریم کمیسیونها را هم قرار شده که موافق نظامنامه داخلی در بیرون در اطاق دیگر ترتیبش معین بشود که آقایان بروند آنجا و رای بدهند و امور ما پیش از این معطل نماند حالا اگر مجلس موافق است با اینکه راپورت کمیسیون تفسیر بماند برای جلسه آتی مجلس را ختم می کنیم دستور جلسه آتی در روز شنبه معین شده است دستور سه شنبه آتی هم گفته می شود قرار داد کمپانی خالصه جلت شور اول

در قانون عقیقات در جلسه روز پنج شنبه موافق دستوری که معین شده است اتخاذ خواهد شد کمیسیونها را هم موافق نظامنامه داخلی همانطور که عرض کردم در همان روز انتخاب خواهیم کرد .

حاج آقا - راجع بر راپورت کمیسیون تفسیر بنده عقیده ام این بود که همین امروز بگذرد ولی حالا که مخبر تقاضا کرده است باشد برای جلسه آتی ولی بنده چند روز قبل تقاضا کردم که جزء دستور جلسات این چند روزه راپورت کمیسیون تقیث مالیه در خصوص حساب آقای حاج وکیل الرعايا گذاشته شود و وعده هم فرمودید ولی در ضمن این دستورها که فرمودید نبود و بنده لازم می دانم این مطلب را از تمام آن چیزهایی که در دستور گذاشته شده است و تقاضا میکنم که در جزء دستور یکی از این جلسات معین بشود (بعضیها اجازه خواستند)

رئیس - اگر راجع بدستور است عرض کردم بعد از اینکه کمیسیونها معین شد مخبرین آنها می نشینند و در میان خودشان يك قراری میگذازند که در هفته يك روز معین تشریف بیاورند در هیئت رئیسه و موافق دستور العملی که هر يك از مخبرین از کمیسیون خردش گرفته است دستور جلسات را معین می کند و دیگر در مجلس اتلاف وقت است که در باب دستور صحبت بشود .

معرزالملك - عرض بنده هم راجع بدستور است ولی چون مطلبی است فوق الاماده اگر اجازه می فرمائید عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

معرزالملك - عرض میکنم چون در هفته آتی تمام کمیسیونها انتخاب خواهند شد و از طرف دیگر ما شش نفر کسر اعضاء مجلس داریم که باید انتخاب بشود از این جهت اگر مجلس موافقت داشته باشد بنده عقیده ام این است که در ابتداء جلسه آتی اول آن و کلاء را انتخاب کنیم که آنها هم در انتخاب کمیسیونها شرکت می کنند عقیده بنده این است حالا اگر مجلس هم موافقت دارد که در جزء دستور جلسه آتی گذاشته شود .

رئیس - اگر بنا شد این انتخاب را همین طور بیکه فرمودید جزء دستور جلسه آتی می گذاریم باید رای بگیریم .

[گفتند صحیح است] .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که با این اظهار آقای معزالملك موافقت قیام نمایند [اغلب قیام نکردند و تقاضای مزبور رد شد] (مجلس مغرب ختم گردید) .

جلسه ۲۳۱

صورت مشروح روز پنجشنبه ۶ شهر

ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب ریاست آقای مؤتمن المملك تشکیل و سه ساعت و ربع بقیوم مانده رسماً منتهی شد .

صورت مجلس روز سه شنبه را آقای معاضد المملك قرائت نمود .

فائین جلسه قبل
دهخدا آقا میرزا احمد با اجازه فریاد -
مرئضی قلی خان بختیاری آقا میرزا رضای مستوفی بوقت مقرر حاضر نشدند .

رئیس - در صورت مجلس که دو چیز فراموش شده است نوشته شود یکی راپورت اعمال دو ماهه کمیسیون قوانین مالیه یکی هم راپورت اعمال دو ماهه کمیسیون فواید عامه که جزء می شود ملاحظاتی غیر از این هست (اظهاری نشده رئیس صورت مجلس را امضاء نمود) .

رئیس - در جلسه گذشته بعد از انتخاب بنده ریاست خواستم دو کلمه عرض تشکر بکنم موفع نشد در يك ماه قبل عرض کردم بنده خود را قابل این مقام نمی دانم و اگر هم قبول کردم با استظهار و همراهی و مساعدتهای آقایان بود و حالاهم که قبول کردم بدو دلیل بود یکی برای اینکه در ظرف این يك ماه از رفیع تمام آقایان دیدم بت نوع مساعدت و همراهی باینده میشود که بنده را خیلی امیدوار کرده است و ثانیاً چون می بینم که پیش از شش ماه بانقضیه دوره تقیثیه نمائیده است و از طرف آقایان و لاهم می بینم که يك جدیتی میشود در گذراندن فوائینی که از مجلس نگذشته است و خیلی بتأخیر افتاده است و البته آن فوائینی که بگذرد آقایان و کلا يك نوع افتخاری را هم برای خودشان کسب کرده اند و ضمناً هم يك قسمتی از این افتخار عاید خود بنده خواهد شد این است که بهمین دو دلیل که عرض کردم قبول خدمت در این مقام را می کنم و امیدوارم بطوری که عرض کردم آن فوائینی تا آخر این دوره تقیثیه از مجلس بگذرد (گفتند صحیح است) آقای مرئضی قلی خان بختیاری را نمایندگی استعفاداده اند عرضیه استعفای ایشان است خوانده میشود .

(آقای میرزا ابراهیم خان استعفا نامه مزبوره را از قرار ذیل قرائت نمود) .

مقام منیع ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکته در این موقع که از طرف اولیاء امور اشتغال این بنده را بخدمات اجرائیه تصویب و بماموریت خارج از مرکز نامزد فرموده اند بر خود فرض دانستم که اولاً تشکر از اعتماد نمایندگان محترم که مرا به عضویت شورای ملی انتخاب و باعث حسن توجه اولیاء امور گردیده بجا آورده ثانیاً از آن مقام منیع با کمال تأسف استدعای مرخصی از عضویت مجلس بنمایم و ضمناً خاطر نمایندگان محترم را مطمئن می دارم از این که بهر حال و در هر جا که باشد در پیش رفت حقوق ملت و مملکت خود داری نخواهد داشت (مرئضی قلی بختیاری) .

رئیس - قبل از این که داخل دستور بشویم بعضی عرایض داریم که لازم است بمرض نمایندگان محترم برسانم برای اینکه ممکن است در موقعی که آقایان نمایندگان نطق می کنند و نطق نویسها ضبط می کنند بعضی الفاظ بس و پیش بشود یا بعضی غلطها و سهو در ذیل نطق بشود این طور قراردادیم که بعد از آنکه نطقها نوشته شد در محل معینی گذاشته شود و به آقایان نمایندگان دو ساعت سه ساعت وقت داده میشود که بروند آنجا و هر کس نطق

خودش را به بیند و مراجعه می کند که اگر بعضی الفاظ پس و پیش شده است یا بعضی اغلاط داخل آنها شده است اصلاح بکنند و از حالا عرض می کنم که آن موع چه موقعی خواهد بود که از آن ساعت و موقع که گذشت هر کس بخواهد بیاید نطق خودش را اصلاح بکند حق نخواهد داشت برای اینکه نطقها باید برود در روزنامه رسمی نوشته بشود و اگر بنا شود که هر کس در هر موقعی بخواهد نطق خودش را اصلاح نماید خیلی بتعویق می افتد و اسباب اشکال خواهد شد .

نطق های روزشنبه سه شنبه صبح حاضر خواهد بود تاظهر وظهر به مطبوعه خواهد رفت در این مدت هر کس حق دارد بیاید نطق خودش را ملاحظه بکند برای نطق های روز سه شنبه شنبه صبح از سه ساعت بظهر مانده تا ظهر برای نطق های روز پنجشنبه یکشنبه بعد از یک ساعت بظهر مانده تا چهار ساعت بعد از ظهر نتیجه استخراج دو نفر مباشرین است که خوانده میشود .

معاضدالمملک - آقای عزالمملک با ۴ رأی آقای آقا میرزا رضاخان نائینی با ۳۲ رأی . آقای ابوالقاسم میرزا و آقای منتصر السلطان با ۲۴ رأی آقای لواءالدوله با ۶ رأی آقای معتمدالتجار با ۳ رأی آقای ادیبالتجار با ۲ رأی آقای حاج عزالمملک آقای میرزا اسدالله خان آقا سیدحسین اردبیلی آقای معاضدالسلطنه هر کدام با یک رأی .

رئیس - آقای عزالمملک با اکثریت چهل رأی انتخاب شدند حالا باید یک نفر مباشر دیگر انتخاب شود .

عزالمملک - بنده چون عضو کمیسیون نظام نامه انتخابات هستم و کار های آن کمیسیون هم میدانید زیاد است و خیلی یرزحمت و مهم است و هفته سه مرتبه حتماً باید جلسه داشته باشیم و به علاوه کمیسیونهای دائمی که انتخاب میشود در یکی از آنها هم باید باشم و بنده عضویت و خدمت در این کمیسیونها را ترجیح بر این خدمت میدهم یعنی بمقیده خودم این است که از این خدمت استعفا میدهم **رئیس** - این قبیل مطالب را خوب است در خارج مجلس معین بکنیم که وقتیکه در مجلس آمدیم بدانیم این شخص را که انتخاب می کنیم قبول خواهد کرد حالا یک هیئتی یعنی یک چند نفری میتواند در خارج به نشینند و در این خصوص مذاکره بکنند و الا این طوری که بیائیم انتخاب بکنیم و وقتیکه مذاکره میشود استعفا بدیم اسباب اتلاف وقت است

ارباب کیخسرو - بنده بریر روز قبل از این که مشغول انتخاب بشوم عرض کرده بودم که بنده را از اینکار معذور داشته باشند و قبل از آن هم با غالب آقایان که مذاکره این کار شده بود عرض کرده بودم که بنده قبول نخواهم کرد این بود که بعد انتخاب کردند آقای رئیس هم از روی مرحمت بعضی بیانات فرمودند که بنده را شرمنده فرمودند ولی با وجود این بنده استعفا دارم که حالا که انتخاب میکنند بجای بنده هم یک کس دیگر را انتخاب کنند که مجدداً اسباب زحمت نشود .

سلیهمان میرزا - بنده گمان میکنم که از برای اداره مباشرت اگر آقای ارباب کیخسرو نباشند ما هیچ کس را نداریم که بتواند خوب از عهده بر بیاید چنانچه ایشان برمی آیند و همیشه هم ایشان را بالاتفاق نوشته اند و این دفعه هم بنده از طرف خودمان که خوب داخل هستیم اطلاع دارم که بالاتفاق ایشان را نوشته اند و در مجلس هم گویا باتفاق بود بنابراین بنده می توانم از طرف عموم نمایندگان بالاتفاق اظهار بکنم که همه ایشان را قبول دارند و استعفا می کنم که ایشان هم قبول به فرمایند و استعفا نفرمایند زیرا که دو مرتبه ایشان را انتخاب خواهند کرد (گفتند صحیح است)

رئیس - حالا باید شروع بکنیم با انتخاب مباشرین .

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بنده عرض می کنم که انتخاب هیئت مباشرت را بجلسه دیگر بگذارید که در این خصوص در خارج مذاکره بشود شاید انشاء الله رفع این محظوری که فرمودید بشود و در باب آقای ارباب گمان می کنم که ایشان هم شرف اتفاق مجلس را حفظ بکنند و قبول این کار را بکنند و این اتفاق را که مجلس اظهار کرده است بی نتیجه نگذارند .

رئیس - تقاضا می کنید که این انتخاب به ماند بجلسه بعد .

آقا میرزا مرتضی قلیخان - بله تقاضا می کنم .

رئیس - خیلی خوب باید رأی بگیریم آقایانی که موافق هستند با این تقاضا که انتخاب هیئت مباشرت بماند بجلسه بعد قیام نمایند (اغلب قیام کردند) .

(با اکثریت تصویب شد) .

دستور جلسه امروز انتخاب کمیسیونها را پورت کمیسیون تفسیر راجع بتفسیر اصل هفتم قانون اساسی - قسانون ثبت اسناد - قسانون منع احتکار است حالا شروع می کنیم با انتخاب کمیسیونها اول کمیسیون خارجه بعد کمیسیون نظام بعد کمیسیون داخله بعد کمیسیون هدیه همینطور بترتیب و در ضمن مذاکرات هم میتوانیم این انتخاب را بنمائیم که اسباب اتلاف وقت نشود یعنی به ترتیبی که در نظامنامه داخلی معین شده است که یک نفر از منشیها و دو نفر یکی از آقایان نمایندگان بقرعه معین میشوند می روند در خارج که مواظب این کار باشند و آقایانی که تشریف مویرند که رأی بدهند خوب است به ترتیب اول و دوم از این طرف (سمت چپ) شروع می فرمایند و یک نفر یک نفر تشریف ببرند در آنجاری خودشان را بدهند مراجعت کنند آنوقت دیگری برود حالا اگر در این خصوص مخالفی نیست همین ترتیب شروع میکنیم با انتخاب کمیسیونها (گفتند صحیح است) پس باید دو نفر بقرعه معین بشود [آقای حاج میرزا رضا خان آقایان آقا میرزا رضای مستوفی دکتر حیدر میرزا را برای اخذ رأی انتخاب کمیسیونها در خارج بقرعه معین نموده بخارج مجلس تشریف بردند]

رئیس - حالا بهمان ترتیبی که عرض کردم

آقایان یک نفر یک نفر تشریف میبرند رأی میدهند و مراجعت میکنند و در ضمن هم مشغول مذاکرات خواهیم بود که توضیح وقت نشود راپورت کمیسیون تفسیر راجع به تفسیر اصل هفتم قانون اساسی است خوانده میشود .

[آقا میرزا ابراهیم خان راپورت مزبور را به بارت ذیل قرائت نمود] دو فقره از بند هفتم قانون اساسی یکی اینکه میگوید در موقع شروع به مذاکره باید دو نلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء حاضر بوده دیگری اینکه میگوید [و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند] به کمیسیون تفسیر ارجاع شده بود کمیسیون مزبور رأی اکثر خود را با نظریات آن بطوری که در ذیل ذکر میشود بمجلس تقدیم مینماید .

در نظر کمیسیون مراد از اعضاء در فقره اولی اعضاء حاضرین در مرکز است و آنانکه از مرکز غایبند چه کسانی که حاضر شده بمذغیبت اختیار کرده اند و چه آنها که از اول امر حاضر مرکز نشده اند مشمول لفظ اعضاء که در فقره مذکور است نیستند مقرب مقصود اینکه مجلس ولو اصلاً عبارت از محل جلوس و غالباً از آن جالسین اراده میشود اعم از اینکه دو نفر باشند و یا بیشتر لکن مجلس ملی ایران بطور کلی باصطلاحی که امروز در میان است عبارت از هیئت مرکب از صد و بیست نفر نماینده ملت است بملاحظه داشتن هر صد هزار ملت یک نفر نماینده و بر موجب قانون دولت شوروی به رأی اکثر این هیئت ولو بعلاوه یک نفر مناط اعتبار است زیرا که آن رأی بجای رأی اکثریت است و بر حسب اقتضای مقتضیات و موانع در این دورهها چنین قرار گذارده شده که بحضور ادنی درجات اکثریه هیئت صد و بیست نفر که شصت و یک نفر باشد مجلس افتتاح یافته همین اکثر حکم مجلس تام را داشته رأی اکثر ایشان در مدت غیاب دیگران مناط اعتبار و اجراء است چنانکه در دوره گذشته منتخبین طهران در غیاب دیگران همین حکم را داشتند پس عد که رأی آنها را حال اجتماع با دیگران مناط اعتبار و مدار قبول و رد است در این دوره در مدت غیبت دیگران بمنزله مجلس تام شده رأی اکثر ایشان مانند اکثر مجلس تام در مدت غیبت دیگران مناط اعتبار و اجراء گردیده و از روی این قرارداد هر وقتی که در مرکز شصت و یک نفر نماینده حاضر شدند در مرکز مجلس موجود شده جای درخواست کردن ملت افتتاح مجلس را از شاه پیدا میشود چنانکه در دوره گذشته بحضور منتخبین طهران مجلس در مرکز موجود جای آن درخواست مذکور پیدا میشد و باید دانست که چنانکه منتخبین طهران در دوره گذشته شصت و یک نفر از این دوره در مدت غیبت دیگران بمنزله مجلس تام بوده است و رأی ایشان با اکثریتی که در مواد قانون اساسی قید شده است مناط اعتبار بوده هست كذلك وقتی که یکی و یا بیشتر بر عددشان افزود مجلس حاضر مرکز عبارت از همه حاضرین در مرکز بوده اکثریتی که در مواد قانون اساسی قید شده است نسبت به همه آنها ملحوظ خواهد شد بجهت اینکه مناط اعتبار بودن رأی اکثر منتخبین طهران در دوره گذشته و ۶۱ نفر در این دوره مقید به غیاب دیگران است چنانکه ماده ششم قانون اساسی که میگوید (رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با اکثریت

مناط اعتبار واجرا است (صریحاً این معنی را میسراند چرا که معنی آن این است که در وقت حضور دیگران اکثریت نسبت به همه حاضرین ملحوظ خواهد بود و این معنی نسبت بماده منسوخه واضح است و نسبت بماده منسوخه ماده خالی از وضوح نیست زیرا که آنچه تفسیر داده شده است لفظ منتخبین طهران است که تبدیل بلفظ ۶۱ نفر شده است و آنچه تفسیر به تحقیق پیوسته است همین فقره است و سایر فقراتش بحال خود باقی میماند چه کسی ملتزم نمیشود که با حضور صد و بیست نفر ملاحظه اکثریتی که قبلاً شده است نسبت به ۶۱ نفر ملحوظ خواهد بود بعد از معلوم شدن این مذکورات بطور واضح معلوم می شود که مجلس در اصطلاح امروز هم ممکن است به هیئت مرکبه از صد و بیست نفر گفته شود بملاحظه هم ممکن است بمجلس حاضر در مرکز و موجود در طهران گفته شود بملاحظه و اراده هر یک از این دو معنی از قرائن استفاده میشود مثلاً اگر گفته شود بحضور نصف اعضاء مجلس بملاوه یک نفر مجلس افتتاح میباید یقیناً مراد از مجلسی که اعضاء به سوی آن اضافه شده است مجلس تمام کامل کلی ایران است که هیئت مرکبه از ۱۳۰ نفر باشد بمجلس لفظ مجلس دوم که مراد آراء هیئت مرکبه ۶۱ نفر است چنانکه مراد از مجلس در ماده ششم قانون اساسی که میگوید (حق انعقاد مجلس را داشته و در ماده پنجاه و هفتم نظامنامه انتخابات که ناسخ ماده هفتم قانون اساسی است که میگوید (مجلس افتتاح میباید) هیئت مرکبه از منتخبین طهران و ۶۱ نفر است پس بطوری که بیان شد مجلس صاحب درجات و مراتب است بهر مرتبه از ۶۱ نفر گرفته تا صد و بیست مجلس اطلاق میشود اما اینکه آیا در وقت شروع بمذاکره و هنگام اخذ رای حضور همه اعضاء مجلس حاضر مرکز لازم یا مقداری از آن کافی است و اکثریت هم نسبت به همه اعضاء مجلس حاضر مرکز یا مقداری از آن ملحوظ خواهد بود ماده ششم قانون اساسی و ماده ۵۷ نظامنامه از بیان آنها سزاوارت بوده و اما مال داشت بلکه اگر جلوگیری نمیشد ظهور کمی هم داشت که باید همه اعضاء مجلس حاضر مرکز در هر دو مقام حاضر باشند برای رفع آن احوال جلوگیری از آن ظهور که ماده دوازدهم ماده ۶ گذارده شده که ماده ۷ باشد و بودن ماده ۷ در تلو ماده شش بخوبی میسراند که ماده ۶ نظر داشته و حد عمده لازمه در هر دو مقام را در حاضر مرکز در ماده ۶ ذکر شده تعیین مینماید پس بنا بر این مراد از آن دو لفظ مجلس که ماده هفت مضاف الیه لفظ اعضاء شده اولی ثابت و دومی بجهت معلومیت محذوف گردیده است همان مجلس مذکور در ماده ۶ است که عبارت باشد از هیئت مرکبه از منتخبین طهران و مازاد الی صد و شصت و دو نفر و هیئت مرکبه از شصت و یک و مازاد الی صد و بیست نفر به عبارت آخری مجلس در مرکز هر مرتبه که باشد از مراتب مذکور و دولت و سه رجب مجلس تمام کلی ایران که ۸۰ نفر و ۹۰ نفر باشد چنانکه تاکنون هم عمل بر این شده است و احتمال اینکه حکم در مقام همه درجات مجلس را ترک کرده به ذکر حکم و مقام یکی از آن درجات که صد و بیست باشد

با وجود علم متنتین بر اینکه این فرد در این دوره ما غیر الحصول است پرداخته اند بعد از قبول است و باید دانست که آنانکه مدتی حضور بهم رسانیده بعد غایب شده اند بحکم آنانی میباشند که اصلاً حضور بهم رسانیده اند ایشان اگر چه اعضاء مجلس نام شده میشود لیک از اعضاء مجلس حاضر مرکز محسوب نیستند و گفته شد که مراد از مجلس در ماده ۶ و ماده ۷ مجلس حاضر در مرکز است و مراد از اعضاء اعضاء است پس لفظ غیبت که در ماده ۶ است که میگوید (در مدت غیبت منتخبین ولایات تا آخر) شامل هر دو غیبت می باشد و فرقی میان این دو غیبت نیست چنانکه در ابتداء لایحه حضور منتخبین طهران و یا شصت و یک نفر ملت را حق درخواست افتتاح مجلس می باشد کذا لیک از عده حاضرین بکاهد و نماند مگر شصت و یک نفر ملت را حق درخواست ابقاء مجلس خواهد بود و بنظر کمیسیون مراد از فقره ثانیه که می گوید اکثریت آراء وقتی حاصل می شود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند) این که اکثریت آراء یکی از دو طرف قبول ورد يك امر وقتی حاصل می شود که بیش از نصف حضار مجلس کافی در اخذ رای که اقل آن سه رجب اعضاء مجلس حاضر مرکز است که آن در منزل ثانی قائم مقام مجلس تام و کامل ایران هست و یکی از دو طرف قبول و رد رای بدهند و این معنی بتقریبیاتی که گذشت بی اشکال است زیرا که قبول و رد هیچ امری قانونی نمی شود مگر آنکه اکثریت آنرا قبول یابد کذا در ماده سه رجب اعضاء مجلس حاضر مرکز که تنزلاً ثانیاً بمقام مجلس تام و کامل ایران و بجای تمام ملت قرار گرفته اند وقتی يك امر را قبول و یا رد قانونی می کنند که اکثر آن سه رجب که عبارت از بیش از نصف باشند یکی از دو طرف قبول ورد رای بدهند و گاهی گمان می شود که مراد از این دو فقره محصر کردن حصول اکثریت آراء یکی از آن دو طرف است بصورتی که مطلق رای دهندگان اعم از قبول ورد بیش از نصف حضار مجلس باشند در این صورت اگر رای دهندگان یکی از صورت قبول و رد اکثر از دیگری شد آن اکثریت اکثریت مطلوبه است و این گمان صحیح نیست زیرا که مراد از اکثریت مطلوبه اگر اکثریت تامه است پس آن در این صورت دائماً حاصل نمی شود چه اکثریت تامه عبارت از آن است که بیش از نصف بقبول و یا رد رای بدهند و آن در این صورت که حاصل نشود چه مطلق رای دهندگان ممکن است که نصف بملاوه يك نفر باشند و سایرین امتناع کنند و این رای دهندگان هم دو قسمت باشند يك قسمت بقبول رای دهند و قسمت دیگر برد و اگر خیال شود که این گمان بملاحظه عدم وضعی دخول متنتین است در حضار مجلس پس این خیال مانند آن گمان از غیر صحیح است اولاً بجهت اینکه اگر متنتین از حضار محسوب نشوند کثیراً ما بنص قانون اساسی عده برای اخذ رای کفایت نخواهد کرد و ثانیاً بمذاکره امضای از عدم کفایت اگر بنا باشد که متنتین از حضار محسوب نشوند فرقی میان اینکه رای دهندگان بیش از نصف حضار باشند یا کمتر از آن نخواهد بود .

آقا شیخ رضا - خواهش می کنم آن اصلاحی که پیشنهاد شده است خوانده شود چون ماحصل این راپورت آن دو ماده است

رئیس - چون این دو ماده وقتو که آن راپورت داده شده بود نرسیده بود از این جهت هیئت رئیسه نتوانست قبل از وقت آنرا بدهد بطبع کدحلا آن دو ماده خوانده میشود .

(آقای فهیم الملک بمبارت ذیل قرائت نمود)

ماده اولی - مراد از دولت و سه رجب اعضاء حاضرین در مرکز آن است .

ماده ثانیه - مراد از (او اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند) اینکه اکثریت آراء یکی از قبول ورد وقتی حاصل می شود که اکثر حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از قبول ورد رای بدهند .

آقا شیخ رضا - می خواستم توضیح این اصلاح را بکنم چون این راپورت بطور ماده پیشنهاد نشده بود این است که لازم دید کمیسیون که بطور ماده پیشنهاد بکند و همین طور که خوانده شد در ماده پیشنهاد کرد و برای توضیح بنده دو مرتبه آن را می خوانم ماده اولی مراد از دولت و سه رجب اعضاء حاضرین مرکز است این اشکالی ندارد ماده ثانیه مراد از اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند اینک معنی مراد از این جمله که در قانون اساسی است این است که اکثریت آراء یکی از قبول ورد وقتی حاصل می شود که بیش از نصف حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از قبول ورد رای بدهند این ما حاصل نظر کمیسیون میباشد حالاً اگر مجلس توضیحی از برای این ماده بخواهد عرض میکنم والا رای بگیریم .

رئیس - عرض می کنم که این راپورتیکه طبع شده است مثل قانون نیست که در آن دو مورد باشد بلکه بعد از يك شور در آن رای گرفته می شود حالاً اگر مخالفی در این خصوص هست اظهار نماید

حاج شیخ علی - در اینجا نوشته شده است ماده اولی و ماده ثانیه این ماده اول و ثانی يك عبارت و يك جمله قانونی است این باید یکجا محاط بشود بنظامنامه انتخابات یا بنظامنامه داخلی یا اینکه من بعد يك قانونی وضع خواهد شد از همین مواد مختلفه که بعد اضافه خواهد شد قانون اساسی و بعد يك ضمیمه امروز چاپ کرده اند و بما داده اند که مراد از دولت و سه رجب دولت و سه رجب اعضاء حاضرین در مرکز است باین ترتیب ممکن است که کم کم خیلی عده اعضاء مجلس کم بشود بجهت اینکه همیشه سه رجب اعضاء حاضر در مرکز در مجلس حاضرند و اگر بنا باشد که يك نفر از آنها خارج شد باز سه رجب اعضاء حاضرین که در مرکز نقاط اعتبار باشد همیشه می کم خواهد شد بلکه يك وقتی ممکن است عده مجلس به ۳۰ نفر برسد اینست که بنده يك جمله را پیشنهاد کرده ام که هرگز نباید عده حاضرین از ۶۱ نفر کمتر باشد والا سه رجب از اعضاء حاضر در مرکز این يك

جمله مبهمی است و می شود که نمایندگان اجبازه بخواهند و بروند و همیشه ما سه رجب از نمایندگان حاضر را می خذ قرار بدهیم تا اینکه يك وقتی همان طور که عرض کردم عده ازیسی نفر کمتر بشود دیگر اینکه نمی دانم این باید بکجا اضافه شود به قانون اساسی بجای دیگر این را خوبست آقای مخبر توضیح بفرمایند .

آقا شیخ رضا - بنده تصور میکنم که اگر آقایان این راپورت را پیش میخوانند یادروقتی که منشی ها میخوانند گوش میدهند دیگر برای این اشکالات محلی باقی نمی ماند ولی متأسفانه نه بیشتر میخوانند نه وقتی که میخوانند گوش می دهند اینست که این اشکالات فراهم می آید عرض میکنم که این دو ماده راجع است بآنچه که در پیش گفته شده است این راپورت را اگر ملاحظه بفرمائید اول عنوانش این است که می گوید دو فقره از بنده فتم قانون اساسی یکی اینکه میگوید در موقع شروع به مذاکره باید که دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رای سه رجب از اعضاء حاضر بوده و دیگر اینکه میگوید که اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند که به کمیسیون تفسیر ارجاع شده بود کمیسیون مزبور رای اکثر خود را با تقریب آن بطوریکه در ذیل ذکر میشود و به مجلس تقدیم مینماید - این دو ماده راجع به همین دو فقره است که در اول راپورت نوشته شده است اگر بازم توضیح میخواهید عرض کنم و اما اینکه فرمودند قیدی قرار بدهند این راجع است به نتواندن پیش از وقت و گوش ندادن در وقت خواندن در مجلس والا اینجا نوشته شده است که حد اقل آن نصف بملاوه يك تمام نمایندگان است که نصف بملاوه يكصد و بیست نفر یا صد و شصت نفر بوده باشد دیگر پیش از این عرض نمی کنم .

رئیس - آقای لسان الحکماء اصلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده می شود .

(آقای فهیم الملک بمبارت ذیل قرائت نمودند)

این بنده برای اصلاح تفسیر اصل هفتم قانون اساسی پیشنهاد می نماید برای جمله اول و دوم اینکه نوشته شده است (در موقع شروع به مذاکرات تحصیل رای سه رجب از اعضاء حاضر بوده) ماده تفسیریه اول - نمایندگان که صحت انتخاب نامه آنان در مجلس تصدیق شده و در شهر یا بیخه هستند جزء اعضاء در مجلس محسوب میشوند که برای دو ثلث مذاکره سه رجب رای در شمار خواهند بود) برای جمله دوم - این نوشته شده [و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند (ماده تفسیریه دوم) لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رای در مجلس پیدا میکنند اطلاق میشود اعم از اینکه چهل و شش نفر یا بیشتر تا یکصد و بیست نفر باشند پس موافق جمله سوم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رای مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب شود .

لسان الحکماء - بنده اینکه عرض کردم تصدیق دارم این مطلبی را که آقای مخبر اظهار کردند ولی این ماده را که کمیسیون پیشنهاد کرده است بطوری نوشته شده است که ترتیب پارلمانی نیست تا اینکه بشود در آن رای گرفت باین جهت بنده همان را بصورت ماده تفسیریه عرض میکنم و برای توضیح که اینجا در این اصل از قانون اساسی سه جمله بود یکی برای مذاکره و یکی برای رای که نوشته است دو ثلث باید حاضر شوند برای مذاکره و سه رجب برای اخذ رای که صحت انتخاب نامه آنان در مجلس تصدیق شده و در شهر یا بیخه هستند جزء اعضاء مجلس محسوب میشوند که برای دو ثلث مذاکره سه رجب رای در شمار خواهند بود این يك ماده ای است که مجلس میتواند در آن جرح و تعدیل نماید و اینکه اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند اینطور عرض کرده ام که لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رای در مجلس پیدا میکنند اطلاق میشود اعم از اینکه ۶۱ نفر یا بیشتر یا یکصد و بیست نفر باشند و موافق جمله سیم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رای مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب شود آن هیئت جامعه چه چیز است آن هیئت جامعه عبارت میشود از مجلس شورای ملی و چون سه رجب از آنها حق رای دارند پس مجلس شورای ملی میتواند بآن ۶۱ نفر رای بگیرد و رفع آن اشکال آقای حاجی شیخ علی هم میشود که نمیشود عده از آن سه رجب که در آنجا کسر بشود یعنی همیشه باید شصت و یک نفر در شمار باشند تا اینکه سه رجب از آنها بتوانند رای بدهند و این تفسیری که فرموده اید خیلی صحیح و بجای است ولی چون بترتیب مجلس نوشته نشده است نمیشود در آن رای گرفت این است که بنده اینطور عرض کرده ام دیگر بسته است به رای مجلس .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا مخالفید

محمد هاشم میرزا - عرض بنده راجع بموافق و مخالفت نیست دو کلامه میخوانم سؤال بکنم چون میشنوم که اکثریت را عبارت از ۶۱ نفر میدانند و حال اینکه عبارت عده نمایندگان به آقایانیکه بمصوبت شناخته میشود (صد و بیست و پنج نفر است) و در این صورت نصف بملاوه يك ۶۳ نفر میشود بطور میفرمائید شصت و یک نفر اگر اشتباه کرده ام که بفرمائید

رئیس - پس مخالف هستید بطور میفرمائید که نه مخالف هستم و نه موافق .

آقا شیخ رضا - عرض میکنم آقا نسبت بماده اولی ضرر ندارد که همانطوریکه شاهزاده پیشنهاد کرده نوشته شود برای اینکه روش تر است ولی راجع بماده ثانیه چون در پیشنهاد کمیسیون اینطور آمده است که باید همیشه بیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رای مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب شود و این خودش مطلب را

میرساند چونکه اکثریت حضار کافی در اخذ رای اولی مرتبه اش ۶۱ نفر است و از او گرفته می رود تا صد و بیست نفر چون همین قدر مطلب را میسراند کمیسیون لازم ندانست که بیش از این شرح بدهد و اگر بنا بود که بیش از این رای بدهیم پیشنهاد میکردیم که بتمام راپورت رای گرفته شود ولی چون لازم ندانست که پیشنهاد گردید همین دو ماده رای گرفته شود .

رئیس - دیگر مخالفی هست پس رای خواهیم گرفت .

حاج الممالک - بنده مخالفم با اینکه رای گرفته شود و باید دو شور بشود .

رئیس - بسته است برای مجلس ولی عقیده بنده این است که این يك قانون جدیدی نیست که در آن دوشور بشود معنی و تفسیر يك قانونی است که وضع شده است با وجود این اگر مجلس بخواهد که دوشور در آن بشود این را شور اول قرار میدهم

آقا شیخ رضا - بنده تقاضای فوریت این را می کنم بجهت فوریتش هم این است که اولاً کسانی که برخلاف این راپورت صحبت میکردند نظرات خودشانرا از یکسال پیش حاضر کرده اند اگر امروز يك مخالفی دارند اظهار بکنند که تکلیف معلوم بشود دیگر اینکه این مسئله خودش يك گرفتاری شده است برای مجلس برای اینکه در خیلی از اوقات مجلس متعیر می ماند که نتیجه از مطلب مطرح شده حاصل شده است یا حاصل نشده است برای اینکه عده آراء معین نیست که از روی چه مأخذی باید محسوب و مناط اعتبار باشد از این جهت آن اشخاصی که مخالف این راپورت هستند ایشان را اظهار بکنند و رای گرفته شود دیگر حاجت بدو شور نیست .

رئیس - تفاوت نمیکند اول باید این مسئله حل بشود که بعد از این بدانیم این قسم مطالب که به مجلس می آید حالت قانون را خواهد داشت یعنی باید دوشور در آن بشود یا اینکه يك شور کافی است و اینکه اینجا تقاضای فوریت کردید مثل این است که این مطلب دوشور لازم دارد لکن تقاضای فوریت کرده اید که در آن يك شور بشود .

آقا شیخ رضا - بنده من باب الاحتیاط این تقاضا را کردم والا همانطور که آقای رئیس فرمودند نظرم بود که در مورد این قبیل مطالب مثل قوانین نباید رفتار بشود ولی چون محل اختلاف بود از این جهت تقاضای فوریت کردم که زودتر بگذرد .

حاج آقا - بنده همین مطلبی را که آقای رئیس فرمودند می خواستم عرض کنم که این خیلی واضح است که این قبیل مطالب مثل مواد قانون نیست که بخواهیم در آنها دوشور بکنیم و البته آن الاحتیاط همان طوری که فرمودند این تقاضا را کردند که در آن يك شور بشود والا احدی گمان نمیکند که اشکال بکند در این مطلب و بگوید که اینست مطلب ثانوی و باید در آن دو شور بشود .

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم که تفسیر معلوم نیست که اهمیتش کمتر باشد از وضع یک ماده قانون برای اینکه همان دلالتی که برای دو شور در مواد قانونی هست ببقیده بنده در تفسیر مواد قانون اساسی هم هست باین جهت باید در این دو شور بکنیم تا اینکه نظرات همدیگر را بدانیم و از روی بصیرت یک ماده قانون را تفسیر کرده باشیم و ببقیده بنده تفسیر ابداً اهمیتش کمتر از اهمیت یک ماده قانون نیست.

حاج سید ابراهیم - عرض می‌کنم اگر اینطور اهمیتی است که شاهزاده می‌فرمایند پس این تفسیر نیست برای اینکه معنی تفسیر اینست که در یک جمله غیر از معنی ظاهری یک احتمال خفی دیگری هم باشد و با واسطه تفسیر آن معنی ظاهری را نسخ بکنیم بله اگر تفسیر معنی قانونی را تفسیر بنده آن تفسیر نخواهد بود و باید در آن دو شور بشود ولی وقتی که ما می‌خواهیم آن احتمال ظاهری را نسخ کنیم آن تفسیر است و برای آن یک شور کافی است.

آقامیرزا احمد - بنده عرض نمی‌کنم که تفسیر بمنزله قانون است ولی گمان می‌کنم که چون تفسیر قانونست همان درجه اهمیت دارد بجهت اینکه ممکن است در بعضی از مواد قانون اساسی بعضی معانی در شور اول بشود و رای بدیم و بگذرد و بعد اسباب ندامت و زحمت بشود بنده از حیث قانون بودن یا نبودنش عرض نمی‌کنم بلکه از حیث اینکه تفسیر قانون اساسی است حال اهمیت را بدان می‌دهم و خوب است که آقایان هم به مواد قانون اساسی اهمیت بدهند که در یک موقع دیگر اسباب زحمت نشود.

افتخار الواعظین - بنده نمی‌دانم این اصل هفتم دیگر چقدر قاضی و چقدر بیچیده و در هم بود که محتاج شد بتفسیر و بدیم که تفسیر کرده ایم حالا تفسیرش اینقدر مهم است که باید مثل مواد قانونی در آن شور بکنیم عرض میکنم اصل هفتم از قانون اساسی میگوید که در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رای سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده باشند و دو مجلس اختلاف شد بین آقایان نمایندگانی که آیا مراد از این اعضاء اعضاء حاضر است یا اینکه اعضاء غایب هم داخل هستند و آنوقت اقلیت و اکثریت مجلس از روی صراحت اصل هفتم عقیده شان این بود که مراد از این اعضاء اعضاء حاضر است این رفت بکمسیون که در آن یک نظریاتی بکنند و اگر چنانچه این ماده یک ابهامی دارد که آن ابهامش را تصریح بکنند کمسیون هم ماحصل تمام مذاکراتی را که کرده است و روی کاغذ آورده است این است که مراد از اعضاء اعضاء حاضر است برای این که اولاً مجلس وقتی افتتاح میشود که شصت و یک نفر که شصت و یک نفر است در طهران حاضر باشد و وقتی که این عده در مرکز حاضر شد مجلس افتتاح میشود و تا آنجا معین است که اعضاء وقتی که می‌گویند

مراد اعضائی هستند که در مرکز حاضرند اشخاصی که اجازه گرفته‌اند و رفته‌اند آنها را نمیشود داخل در اعضاء حاضر محسوب نمود این یک مسئله بود که قبل از رفتن بکمسیون تفسیر عقیده اکثریت مجلس متقابل بآن بود حالا کمسیون هم یک تفسیری کرده است که بیشتر آن عقیده اکثریت را توضیح کرده است بنابراین ابداً این مسئله دو شور لازم ندارد و همان یک شور کافی است و بعد از آن باید رای گرفت.

بهجت - اصل مسئله که مادر آن بحث میکنیم گویا اینقدر اشکالی نداشته باشد مذاکره در این است که قوانینی که تفسیرش لازم است در تفسیر آنها یک شور باید بشود یا دو شور - مادر قوانینی که بمجلس می‌آید یا اینکه در خیلی از مواد میشود که با اتفاق رای می‌دهیم با وجود این قید کرده ایم که در آنجا باید سه شور بشود تا اینکه نظر است صحیحاً در آنها اظهار شده باشد اما در مسائلی که تفسیر میشود بدیهی است که اختلاف نظرات برای این که اگر اختلاف نظر نمی‌بود که محتاج بتفسیر نمی‌شد پس در صورتیکه در مواردیکه بنظرمان در کمال وضوح است می‌گوئیم که سه شور لازم است در مسائلی که اختلاف نظر در آنها داریم خصوصاً بایستی پنج شور بکنیم حالا اگر پنج شور نباشد ببقیده بنده حتماً باید در این مواد سه شور بکنیم چرا برای اینکه در نظر اولی که آنرا نظر اختفاء می‌گویند ممکن است یک مطلب را در نظر بگیریم و رای بدیم بعد از آن شور با ما ثابت شود که اشتباه کرده ایم مثل اینکه خیلی از مطالب هست که در ابتدای نظر که ما می‌گویند ما آن ها را تصدیق می‌کنیم ولی وقتی که بخانه خودمان رفتیم می‌بینیم که این اشتباه و غلطه و سفسطه بوده است این هست [گفته شد صحیح است] خوب پس اگر شما در کلیه مواد قید کرده اید که باید سه شور بشود چطور در یک مسئله که این اندازه اهمیت دارد و محل اختلاف نظر بوده است می‌گوئید یک شور بشود اینجا باید شما تبادل افکار بکنید یعنی یک دفعه در اینجا شور بشود که نظرات همدیگر را بفهمید و بعد در خارج مطالباتی که لازم است در آن بکنید تا اینکه بعد از مطالبات و تبادل افکار زیاد رای خودتان را اظهار بکنید و الا ممکن نیست که یک همچو مطلبی را که راجع است بتفسیر قانون اساسی یک شور در آن رای بگیریم و بگذرد.

آقا شیخ رضا - بنده نظرات آقای آقا میرزا احمد و آقای بهجت را تصدیق میکنم که خوب نظریست و از همین نقطه نظر است که اروپائی ها که تقریباً نظامنامه داخلی ما هم از روی آنها ترجمه شده است قرار گذارده اند که در مطالبی که به مجلس می‌آید دو شور بشود برای اینکه در شور اول همانطوری که فرمودند چون نظر طبقات ممکن است که ایشان ملققت بعضی مطالب نشود و ما بین این دو شور هم لااقل پنج روز فاصله قرار داده اند که در این مدت یک تجدید نظری بکنند و رای خودشان را اظهار نمایند ولی

آقا شیخ رضا - بنده گمان می‌کردم که آقای لسان الحکماء در ماده دوم مریض بنده را قبول کرده اند در کمسیون پیشنهاد کرده است که اکثریت آراء بیکی از قبول و رد وقتی حاصل می‌شود که نصف حضار مجلس کافی در اخذ رای به یکی

بنده از یک جهت عقیده ام این است و سه نظر همچو می‌آید که ما در یک مطلبی که در یک روز صحبت می‌کنیم و یک قدری تبادل افکار می‌شود در همان وقت اکثر رای بدیم از برای ما بهتر خواهد بود از اینکه یک جلسه دیگر هم در آن مطلب صحبت بشود آنوقت رای بدیم چرا بجهت این که یک دفعه که صحبت میکنیم بعد از آن جلسه آن مطلب را کانه مفروق فرض می‌کنیم و هیچ نظری در آن نمی‌کنیم و اگر در جلسه اولی متوجه آن نبوده ایم در دیگری هیچ متوجه بآن نخواهیم شد به همین نظر عرض می‌کنم که اگر میتوانستیم تمام مطلب را در یک جلسه بگذرانیم بهتر بود این که در دو جلسه آن را بگذرانیم چرا که بهیچ وجه مانوجهی به مطلب نمی‌کنیم بله اگر پارلمان ما مثل سایر پارلمانها بود این فرمایش صحیح بلکه لازم بود که همین طور بشود ولی بنده می‌بینم که اینجا منشی را بورت را که می‌خواند ابداً گوش نمیدهیم سهل است ایراد هم میگیریم در این صورت چطور میشود یک همچو مطلبی را برای جلسه دیگر بگذرانیم که در آن جلسه هیچ نظر دیگری نداشته باشیم و هیچ فایده جز اتلاف وقت نداشته باشیم از این گذشته این یک مطلب فوق العاده که زیاد اهمیت داشته باشد نبوده این یک چیز واضحی بود که محتاج باین زحمتها نبود ولی چون یکی از نمایندگان اشکال کردند از این جهت اهمیت پیدا می‌کند والا خود این مطلب اینقدر اهمیت نداشته است که خیال بکنید لابد این یک مطلب با اهمیت بوده است که بکمسیون رجوع شده است خیر این یک چیزی است و ابداً اهمیت ندارد حالا اگر بواسطه اشکال یک نماینده اهمیت پیدا بکند چه عرض کنم.

رئیس - حالا رای خواهیم گرفت ولی قبل از آنکه رای بگیریم باید مطلب واضح بشود عیناً در اینجا سه عقیده است یک عقیده این است که باید یک شور در این قبیل مطالب بشود یک عقیده این است که باید دو شور بشود یک عقیده این است که چون راجع است بتفسیر قانون اساسی از این جهت باید دو شور در آن بشود حالا بایست در هر یک از اینها رای بگیریم.

هشترودی - میفرمایند در اینجا سه عقیده است و حال این که بنده هم یک عقیده دارم که بر خلاف این اظهارات است بنده عقیده ام این است که اساساً در اینجا قلم است شما خودتان می‌گوئید تفسیر که دیگر شور نمی‌خواهد این یک مطلبی است که خیلی واضح است.

رئیس - پس شما اساساً با این سه عقیده مخالف هستید - رای می‌گیریم آقایانیکه موافقت با این که در این ماده تفسیر به قانون اساسی باید دو شور بشود قیام نمایند (رد شد) حالا ماده اول با پیشنهادی که لسان الحکماء کرده اند خوانده میشود [قرائت شد].

آقا شیخ رضا - بنده گمان می‌کردم که آقای لسان الحکماء در ماده دوم مریض بنده را قبول کرده اند در کمسیون پیشنهاد کرده است که اکثریت آراء بیکی از قبول و رد وقتی حاصل می‌شود که نصف حضار مجلس کافی در اخذ رای به یکی

از قول و رد رای بدهند چون بنده عرض کردم که مجلس کافی در اخذ رای چیست و حضار چیست این هم سابقه دارد که کسیکه نماینده او تصدیق نشده است و نمی‌تواند به مجلس حاضر بشود پس حضار مجلس می‌رساند که نمایندگی او تصویب شده است پس دیگر حاجت باین نیست که بگوئیم نماینده کافی که نمایندگی شان تصدیق شده است کافی در اخذ رای هم معلوم است که سه ربع است و سه ربع را هم کمسیون معین کرده است که چیست دیگر حاجت باین زیادتی که آقای لسان الحکماء پیشنهاد کردند نیست و بنده کفتم که ایشان این نظر بنده را قبول کردند چنانچه بنده نظرایشان را در ماده اولی قبول کردم.

آقامیرزا احمد - پیشنهاد حضرت والا نام است همین قدر نوشته اند که صحت نمایندگی آنها معلوم شده است جزء حضار محسوبند حرف در این نبود که آنها جزء حضار محسوب هستند یا نیستند بلکه حرف در این بود که حضار منحصر باشخاصی است که در پایتخت هستند یا اینکه سایرین هم در جزء حضار هستند و باید نوشت که حضار منحصر هستند باشخاصی که در پایتخت حاضرند نمایندگی شان تصدیق شده است.

رئیس - حالا اصلاح آقای لسان الحکماء بکمر تبه دیگر خوانده می‌شود و رای می‌گیریم.

(ماده اول - پیشنهاد مزبور قرائت شد).
رئیس - رای می‌گیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند [رد شد] یک اصلاح دیگری از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده است خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد).

مراد از دو ثلث اعضاء مجلس و سه ربع که در اصل هفتم قانون اساسی منظور است دو ثلث و سه ربع اعضاء حاضر در مرکز است در صورتیکه حضار از ۶۱ نفر کمتر نباشد.

رئیس - عرض میکنم این که در اینجا شصت و یک نفر نوشته اند معلوم نیست که در نظامنامه انتخاباتی که بعد نوشته خواهد شد عده را شصت و یک نفر خواهند معین کرد یا بیشتر که دور نیست که عده نمایندگان برسد بصد و چهل و آنوقت خواهند نوشت که تا نصف بملاوه یک آنها هفتاد و یک نفر است در مرکز حاضر نشود مجلس افتتاح نمی‌شود پس نباید در اینجا بکنه شصت و یک قید شود.

ذکاء الملک - آن قسمت آخری راجع به کله شصت و یک نفر را پس میگیریم (پیشنهاد مزبور اصلاح شده بمبارت ذیل خوانده شد).

مراد از (دو ثلث اعضاء مجلس و سه ربع اعضاء که در اصل هفتم قانون اساسی منظور است دو ثلث و سه ربع اعضاء حاضر در مرکز است در صورتیکه که از نصف بملاوه یک از کلیه نماینده مملکت کمتر نباشد.

آقا شیخ رضا - عرض میکنم که اگر آن قید آخری در پیشنهاد نباشد پیشنهاد ایشان علناً

همان ماده اولی کمسیون خواهد بود پس نظر آقای ذکاء الملک ببقید آخری اینست که شرط کرده اند از شصت و یک نفر معین از نصف بملاوه یک کمتر نباشد و گمان میکنم که این هیچ لازم نباشد بجهت اینکه قانون اساسی ما میگوید که وقتی که نصف بملاوه یک که شصت و یک نفر از صد و بیست نفر میشود در مرکز نباشد شاه مجلس ندارد آنوقت رای که خواهد داد چنانکه میگوید منتخبین طهران لای الحضور حق انعقاد مجلس را دارند و ماده ۵۷ نظامنامه انتخاباتی که ناسخ اول است می نویسد هر وقت که نصف بملاوه یک عده نمایندگان وقتی که در مرکز حاضرند آن وقت مجلس را افتتاح میکنند پس اگر شما از این کمتر در مرکز داشته باشید حتی اگر شصت نفر حاضر باشند شما مجلس نخواهید داشت و در این صورت دیگر نه اشکال آقای حاج شیخعلی باقی میماند و نه محلی برای آن قیدی که آقای ذکاء الملک در پیشنهاد خودشان ذکر کرده اند.

رئیس - اینکه اجازه بدیم برای این است که موافق نظامنامه داخلی فقط اعضاء کمسیون حق طوق دارند و چون از اعضاء کمسیون تفسیر جز یک نفر عضوی باقی نیست این است بعضی اراعیان را اجازه میدهم که در این باب مذاکره بکنند ولی این سابقه نخواهد شد برای آتی.

محمد هاشم میرزا - بنده مخالف هستم با آقای معبر که می‌فرمایند شصت و یک نفر کمتر داشته باشیم مجلس نخواهیم داشت و اگر در خاطرشان باشد اول مجلس همین دوره این ماده تقریباً تفسیر شد باینکه در افتتاح مجلس باید شصت و یک نفر حاضر باشد چنانکه بعد از آنکه مجلس منعقد شد بعضی از اعتبارنامه نایب دیده شد و سه نفر از آنها استعفا کردند و تقریباً یک ماه چهل روز بعد عرض آنها انتخاب شد در ظرف آن مدت عده تقریباً پنجاه و نه نفر بوده و مع ذلک مجلس منعقد بود پس اینطور نیست که اگر شصت و یک نفر کمتر باشد مجلس نخواهیم داشت [مجدداً پیشنهاد آقای ذکاء الملک با اصلاح قانونی قرائت شد].

رئیس - رای می‌گیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت قابل توجه (شده) این ماده بر میگردد بکمسیون ماده ثانیه خوانده میشود [ماده ثانیه از راپورت کمسیون بمبارت ذیل قرائت شد].

ماده ثانیه مراد از اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که پیش از نصف حضار مجلس رای بدهند تا اینکه اکثریت آراء یکی از قبول و رد وقتی حاصل میشود که اکثر حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از قبول و رد رای دهند (اصلاح شاهزاده لسان الحکماء بمبارت ذیل خوانده شد).
ماده تفسیریه دوم لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رای در مجلس پیدا میکند اطلاق میشود اهم از اینکه چهل و شش نفر یا بیشتر یا یکصد و بیست نفر باشند پس موافق جمله سیم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه پیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رای مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب میشود.

حاج آقا - از اصلاح آقای لسان الحکماء چنین مبین است که از نصف اعضاء حاضر اثباتاً یا تفسیراً بدهند تا اکثریت حاصل شود و حال آنکه بنده تصور می‌کنم که قانون اساسی این عبارت را ابداً نپذیراند بواسطه اینکه در قانون اساسی نوشته شده است اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که پیش از نصف حضار مجلس رای بدهند نه اینکه پیش از نصف حضار رای مثبت یا منفی بدهند اکثریت را که ملاک است در تصویب قانون در زمینه می‌توانیم آن اکثریت را تحصیل کنیم که نصف از حضار رای دهنده باشند و باین ترتیب کسایکه امتناع می‌کنند از رای دهندگان خارجند و اگر این ترتیب را بگیریم آن وقت بواسطه امتناع بعضی از نمایندگان دچار بعضی اشکالات و اختلال قانون نخواهیم شد بواسطه آنکه در مورد اکثریتی باید تحصیل بکنیم اگر چه رای دهندگان که رای آنها مناط اعتبار است و امتناع در واقع در رای است یعنی رای ندارند و نه نمایندگان آنها آن رای دهند کسی که آراء آنها مناط اعتبار است باید اقلاً نصف بملاوه یک از حضار باشند آن وقت اکثریت آن رای دهند که مناط ثبوت قانون یا منفی قانونی است و اگر آن اکثریت بیلطرف فرار گرفت آنوقت مطلب ختم میشود.

آقا شیخ رضای دهخوار قانی - کمسیون اینطور این ماده را تفهیمه است و نظر کمسیون باین بوده است که اصل مهم از قانون اساسی می‌گوید که اکثریت آراء بیکی از دو طرف رد و قبول رای بدهند آنچه آقای حاج آقا بیان کردند بنظر صحیح نمی‌آید بجهت اینکه قانون اساسی می‌گوید در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رای سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که پیش از نصف حضار مجلس رای بدهند این رای که جور میشود معنی کرد یعنی عده رای دهندگان پیش از نصف حضار باشد و در مقابل متمنعین یعنی رای دهنده ۴۱ از قبول و رد بیشتر از متمنعین باشد و متمنعین کمتر از کلیه رای دهندگان نمایان و اثباتاً و آنوقت اکثریت یاد آر آنجا ثابت است یا در آراء نایب است این بیانی است آقای حاج آقا کردند و نظر کمسیون قید از این است حالا بنا اینکه ایشان می‌فرمایند از این اصل قانون اساسی بیرون می‌آید یا نه این یک مطلبی است لکن همین قدر من از طرف کمسیون می‌گویم اینکه در قانون اساسی میگوید و اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که پیش از نصف حضار مجلس رای بدهند تا اینکه اکثریت آراء یکی از قبول و رد وقتی حاصل میشود که اکثر حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از قبول و رد رای دهند (اصلاح شاهزاده لسان الحکماء بمبارت ذیل خوانده شد).
ماده تفسیریه دوم لفظ مجلس شورای ملی به هیئت جامعه از نمایندگان که حق رای در مجلس پیدا میکند اطلاق میشود اهم از اینکه چهل و شش نفر یا بیشتر یا یکصد و بیست نفر باشند پس موافق جمله سیم اصل هفتم قانون اساسی باید همیشه پیش از نصف آن هیئت جامعه که مجلس خوانده میشود رای مثبت یا منفی بدهند تا اکثریت آراء مجلس شورای ملی محسوب میشود.

باشد و اینکه می فرمایند کلیه رأی دهندگان پیش از
ممتنعین باشند منحصر با اکثریت تامه نیست ملاحظه
بفرمائید شصت و یک نفر حاضر درم کزنند و حاضر
درمجلس هستند و از شصت و یک نفر یازده نفر امتناع
کردند و رأی نداشتند می ماند پنجاه نفر از پنجاه نفر
۲۶ نفر رأی بقبول دادند بیست و چهار نفر رأی برد
دادند اینجا آیا اکثریت تامه شده است یا اکثریت
نسبی است بنابر آن چیزی که آقای حاج آقا
می فرمایند اکثریت تامه شده است بجهت این که
رأی دهندگان پنجاه نفر بودند و ممتنعین
یازده نفر و خود را دین و قایلین را هم
کاذن نظر آقای حاج آقا ملاحظه کنید باز اکثریت
بدست آمده بجهت اینکه بدیهی است بیست و شش
بیش از بیست و چهار است ولی در نظر کمیسیون این
رأی نتیجه نداده است پس اگر حاج آقا می فرمایند
که اکثریت حاصل شده است بدیهی است که اکثریت
نسبی را می خواهند معتبر بدانند در گذراندن قوانین
آن وقت اگر نظرمان باین اکثریت نسبی باشد
دیگر محتاج باین نیستیم که بیش از نصف حضار
رأی دهندگان باشند بجهت اینکه در این صورت
بیش از نصف حضار ممتنعین هم باشد اکثریت حاصل
میشود بجهت اینکه فرض میکنیم صد بیست نفر عده
نمایند که حاضر شصت و یک نفر ممتنعین شدند
الباقی پنجاه نفر می ماند آنها هم بدو قسمت تقسیم میشود
رأی وقایل اکثریت کفایت می نماید آن وقت آن نتیجه
بدست می آید یعنی اکثریت حاصل شده است بجهت
اینکه ما ممتنعین را که جزء رأی دهندگان محسوب
نمی کنیم اکثریت را در آراء ثابت یا تافیه محسوب
می کنیم آن وقت هیچ لازم نیست که بگوئیم که
نصف بعلاوه يك حالا اگر آقای حاج آقا می توانند
این را اصلاح نمایند ماهیج مضایقه نداریم که اکثریت
نسبی را قبول کنیم لکن تصور می کنم که ما نمیتوانیم
این قید را در اینجا بگذاریم بدانیان تا اینکه
اظهار آقای حاج آقا صحیح بشود اکثریت نسبی را
کافی بدانیم .

حاج وکیل الرعایا - آنچه که بنده در نظر

دارم که سبب شد برای اینکه يك تفسیری برای این قانون
بشود این بود که برای تفسیر این قانون ما محتاج شدیم
که حداقل مجلس را بشناسیم برای دوم مطلب یکی از
برای شروع در مذاکره یکی هم برای اخذ رأی و از
چیزی که ما محتاج هستیم تا حد اقل است بجهت اینکه
هیچوقت نباید حداکثر رأی بدست آورد بجهت اینکه حد
اکثر مانع نیست باید تعیین حداکثر را کرد و اینهم در
دو جا معین شده است یکی در قانون اساسی و یکی هم
در قانون انتخابات که آنرا هم هنوز نسخ نکرده ایم
و يك چیزی بجای اونگذارده ایم در نظامنامه انتخابات
میگوید همین که نصف بعلاوه يك نفر نمایندگان ملت
کشمت و يك نفر باشند در طهران حاضر شدند مجلس
افتتاح میشود لکن دیگر نمیگوید که همیشه اینها باید
حضور داشته باشند و بعد از افتتاح مجلس هر يك از
نمایندگان که بواسطه عدم صحت اعتبار نامه رد شده و
عده کسر شد سبب نمیشود که مجلس بهم بفرود مجلس
باز بجای خود باقی خواهد بود پس ما نمیتوانیم اینجا
ایشرا مع و د بکنیم شصت و یک و بگوئیم چه شش

رئیس - مذاکرات کافی است يك اصلاحی

هم از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده است
خوانده می شود و رأی گرفته می شود [بعضی اظهار
داشتند مذاکرات کافی نیست و باید قسری مذاکره
شود]

رئیس - چون بعضی مذاکرات را کافی

می دانند و بعضی کافی نمی دانند پس از برای اینکه
معلوم شود که مذاکرات کافی است یا کافی نیست رأی
می گیریم آقایانی که مذاکرات را در ماده دوم کافی
می دانند قیام نمایند [در شصت و یک نفر حاضر است
کافی نیست آقای زنجانی بفرماید]

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - مذاکراتی

که این جا شد ما از اصل مطلب دور انداخته مانا
حال در دو چیز اشکال داشتیم یکی این است که ما
در وقتی که می خواهیم رأی بگیریم نمایندگان که
در طهران حاضر نیستند آنها را هم حساب کنیم یا
آنها که در طهران هستند آنها را حساب نکنیم اما

این که مجلس وقت افتتاح می شود افشش چقدر
باید باشد ابتدا ربطی باین مطلب ندارد و خارج از
موضوع مطلب ما است مطلب در این بود که نمایندگان
که در طهران حاضرند در هنگام اخذ رأی ۳ ربع از
آنها را محسوب کنیم یا ۳ ربع از کل نمایندگان
محسوب کنیم چه آنها که در طهران هستند چه آنها
که غایب هستند و در خارج هستند این است که تفسیر
شده است که نمایندگان که در طهران هستند ۳ ربع
از آنها که حاضر شدند رأی می گیریم خوب هم تفسیر
کرده اند یکی دیگر هم این بود که وقتی می خواهیم
رأی بگیریم آیا مناظر در اکثریت چه چیز است قطعا
بی شبهه امتناع يك رأی است قبول يك رأی است
رد يك رأی است حالا اکثریت با هر کدام بعنوان
مناظر اعتبار است اگر اکثریت ممتنعین است مطلب
نبرد شده است نه قبول اگر اکثریت با قایلین است
قبول شده است اگر اکثریت با رادین است مطلب
رد شده است اینهم معلوم است و اشکالی ندارد چیزی
خوب هم تفسیر کرده اند ولی يك نصیحتی دارد که
ماده را طوری نوشته اند که مطلب را بخوبی توضیح
بکند باید این ماده را طوری بنویسند که هر جا
بیرند و هر کس ببینند بفهمد مقصود چیست و ماده
چهارمی که باید نوشته شود مراد از قایلین لفظی
که در قایلین اصل از قانون اساسی است این است و مراد
از اکثریت این است و آنچه که در دین اصل هفتاد
قانون اساسی نوشته است مراد این است نه اینکه
بجای دیگر حواله کنند بطوریکه اگر همین در ماده
را چاپ کنند هر کس ببیند بداند که این تفسیر
آن است .

آقای شیخ رضا - نهایتاً همان طوری که

آقا شیخ ابراهیم فرمودند کمیسیون هم همان طور
رایورت داده است نوشته است مراد از او اکثر
معلوم است مراد از او اکثر عبارت قانونی است
بعد نوشته است (اینکه) آنچه کمیسیون نوشته است
از لفظ این که است دورا در پراختی نداشته است
این معلوم است که تفسیر شده است پس کمیسیون
هم همینطور که فرمودند تفسیر کرده است .

محمدهاشم میرزا - تمام اشکالاتی که ما

داشتیم تمام راجع باین بود که وقتیکه از دو طرف
رد و قبول نمی دانستیم که این را در بدانیان یا قبول
یا مهمل بدانیم تا دهمه دیگر در آن مذاکره و رأی
بگیریم مثل اینکه بیست دهمه دیگر در آن مذاکره
شده و از نصف همینطور ماند با اینکه بعد بلباس دیگری
در آورده شد و گذشت با اینکه همانطور مانده است و منتظر
همین تفسیرات است همین تفسیر است که میکنیم و بعضی
تفسیرات از قبیل تفسیر حاج آقا من نمیدانم چه جور تفسیری
است و این را چه طور درست بکنیم و حال آنکه تمام مقصود
از اصول شریعت و مقصود از پارلمان اکثریت آراء
است و باید معلوم شود که رأی دهند بال فعل است
نه بال امکان و آن رأی دهنده باید قبول کند یا رد
و امتناع را بعقیده بنده نمیشود که ابتدا جزء رأی
دهندگان محسوب گردد امتناع بی رأی صرف است
ولی رأی جزء رأی نیست و باید رأی دهنده اکثریتش
مناظر اعتبار باشد و این ترتیب هیچ رفع اشکال ما را
نمیکند بواسطه اینکه امتناع نه جزء قبول شمرده

میشود نه جزء رد و این فرمایشی که حاج آقا
می فرمایند ابتدا صحیح بنظر نمی آید بجهت اینکه
اگر شصت و یک نفری که می فرمایند بوجود آنها مجلس
تشکیل میشود ممکن است به رأی شانزده نفر از
آنها مطلبی بگذرد و چهل و پنج نفر ما ساک باشند
یا رد کرده باشند و این برخلاف آن چیزی است
که ما زحمت کشیده ایم از برای آن و امور ملت
را بروی آن گذارده ایم که عبارت باشد از اکثریت
ملت که اکثریت ملت حاصل میشود در اکثریت
نمایندگان ملت تا اینکه رضا و مقصود و عقیده ملت
حاصل شده باشد و عقیده ملت در پارلمان نموده
شود و از این فرمایشی که آقای حاج آقا فرمودند
خلاف این مقصود حاصل میشود خوب است مقصود
خودشان را توضیح بدهند بطوریکه اگر مقصودشان
غیر از این است که عرض کردم تا بنده هم بفهمم .

حاج آقا - بنده بعد از این همه مذاکرات

حضرت اقدس والا تفهیمم که ایشان مخالف با بنده
بودند یا موافق با بنده بودند پس اول مقصود خودم
را عرض میکنم و گمان میکنم خیلی واضح هم باشد
يك عبارتی در قانون اساسی که نوشته است راجع
بماده اول که گذشت و رجوع شد بکمیسیون حالا
باید فقط در آنچه مناط اکثریت یا مناط اثبات
یا نفی قانون است مذاکره کنیم این يك جمله است
که نوشته شده است در قانون اساسی و اکثریت آراء
وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس
رأی بدهند و مخبر کمیسیون خوب عرض بنده را تشریح
کردند و همان مراد بنده بود مادر وقتیکه يك
مطلبی را مطرح فرار می دهیم خالی از چند قسم نیست
یا این است که در آن مطلب رأی اثباتی دارند و آن
مطلب بنظرشان حق می آید یا آنکه آن مطلب
بنظرشان باطل می آید و نفی می کنند یا آنکه ایشان
جازم بیکی از دو طرف نمیشوند آن امتناع است
و اگر يك کسی جازم بشود در يك ماده آن وقت عرض
بنده را ملتفت خواهید شد و محل ظهور عرض بنده
است و اگر کسی تأمل کند عرض بنده را تصدیق
خواهد کرد که مقصود از رأی دهندگان آن کسانی
هستند که اثبات یا رد می کنند آن عبارتی که آقای
آقای شیخ ابراهیم فرمودند که باید دید کدام طرف اکثریت
دارد مثلا رأی با امتناع هم ممکن است اکثریت پیدا
کند عجب است امتناع رأی نیست همانطوریکه شاهزاده
فرمودند امتناع یعنی بی رأی و بی رأی چه طور میشود
جزء آراء ثبوت یا نفی محسوب شود پس رأی دهند
آنها می هستند که رأی به ثبوت یا نفی میدهند در
يك قانونی و یا چیزی را که میتوانیم قاطع بگیریم
اکثریت رأی دهنده است که آن قاطع است و آنکه
آقای شیخ ابراهیم فرمودند که باید دید کدام
يك از آن سه قسم اکثریت دارند که یکی از آن
اقسام ثلثه را رأی با امتناع تصور فرمودند گمان
میکنم که رأی امتناع رأی نیست و لا رأی است پس
ما که میگوئیم اکثریت رأی دهندگان پس آنهایی
که يك مطلبی را قبول یا رد کرده اند و يك اشکالی
هم آقای مخبر فرمودند که مراد از اکثریت نسبی
است یا اکثریت تام لازم است این مطلب را توضیح
کنم البته خاطر آقایان مستحضر است باینکه وقتی

رئیس - حالاده دقیقه تنفس میشود به شروع

بمذاکره میکنیم .
مجدداً نیم ساعت قبل از غروب مجلس افتتاح و يك
ربع فرغ بر مانده جلسه تشکیل شد .
رئیس - آقای مخبر توضیحی داشتید بفرمائید .
آقای شیخ رضا - بحسب ظاهر در مجلس مخالف
مضمون را یورت دیده نمیشود مگر آقای حاج آقا پس
لازم است نظر اینکه ایشان داشتند خودشان هم که
تشریف ندارند بنده عرض کنم بعد رأی گرفته شود اگر

مجلس تصویب بکند بنده تشفیق کردم در مرض
مطلب را که به بینم آن تشفیقات آقای حاج آقا رضا
خواهند داد اگر چه مع التأسف آقای حاج آقا بيك
ظلمتی آن تشفیقات را تصور فرمودند لکن گمان میکنم
بعد از تأمل خودشان تصدیق بفرمایند که اینطور نباشد
عرض کردم که قانون اساسی همینقدر میگوید اکثریت
وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار رأی
دهنده باشند اگر چه این عرض بنده مکرر است
لکن مکرر کردن مطلب را روشن تر میکند
و از این تکرار بنده عنبر می خواهم عرض کردم
آن نظریه که آقای حاج آقا داشتند که اکثریت وقتی
حاصل میشود که بیش از نصف حضار رأی دهنده
باشند اهم از قبول ورد این اکثریت که می فرمایند
آن وقت حاصل میشود کدام اکثریت را می فرمایند
اگر آن اکثریت زیاد است که نصف بعلاوه يك
است عرض کردم که آن بطور مطلق ممکنست حاصل
نشود چنانچه در آن مثل عرض کردم که شصت و یک
نفر در مجلس باشد و یازده نفر امتناع کنند باقی
پنجاه نفر است بیست و شش نفر قبول و بیست و
چهار نفر رد کنند در این صورت می بینیم که اکثریت
تامه یعنی نصف از حضار بعلاوه يك رأی داده باشند
یا بقبول یا برد این نشده است پس آنطوری که حاج
آقا اظهار کردند باید بفرمایند که مراد از این
اکثریت قانون اساسی اعتبار دادن با اکثریت نسبی
است آن وقت بنده تقاضا کردم که آن اشکال را
بردارند و آن این است که اگر نظر قانون اساسی
باین بوده است که اکثریت نسبی قاطع باشد آن
وقت مناسب بگوئیم که اکثریت نسبی وقتی حاصل
میشود که بیش از نصف حضار رأی بدهند و اگر
این را از قانون اساسی بیرون بیاورند یعنی قانون
اساسی این را برساند و ایشان بیان کنند اگر چه
بنده ادرا باطل می دانم و فلسفه هم باطل است لکن
چون کمیسیون مفسر است نه قانون آورنده مجبور
بود که قبول نمایند لکن قانون اساسی این را نمی رساند
حالا که خود آقای حاج آقا نیستند این جا خوب
است آقایان ملتفت باشند این اشکال اگر وارد است
چیزی نمی توانیم بگوئیم که خلاف مواد قانون اساسی
باشد و باید برون قانون اساسی تفسیر بکنیم عرض
کردم اگر مراد اکثریت نسبی بود تصور میکردم
بیش از نصف حضار قید نمی شد تا در وقتی که هیئت
محترمه رئیس را که فقط برای امور مجلس محترم
است انتخاب می کنیم اکثریت مجلس را لازم میدانم
اما وقتیکه گذراید که قوانین در مملکتی که بسته
بقبول و مبل هیئت جامعه ملت است باید اکثریت مجلس
رأی بدهند تا اکثریت ملت حاصل شده باشد آنرا
لازم ندانیم این خیلی محل تعجب است و آن وقت
آن مقصد که حکومت اکثر ملت است حاصل نمیشود
پس از روی این فلسفه هم درست نمی آید پس اگر
آقای حاج آقا اکثریت را نسبی میدانند باید این
اشکال را توضیح بدهند که چگونه رفع خواهد کرده
رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمی دانند
[اغلب اظهار کردند کافی است]
رئیس - سه فقره اصلاح است که پیشنهاد شد:
خوانده میشود و رأی گرفته میشود .

مجدداً ماده دوم از پیشنهادهای شاهزاده لسان الحکماء قرائت شد .
رئیس - اصلاح دوم از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده خوانده میشود [بعبارت ذیل خوانده شد]
 مراد از اکثریت آراء در اصل هفتم قانون اساسی این است که رای مجلس در رد و قبول وقتی معلوم میشود که بیش از نصف حضار مجلس برد یا قبول رای دهند در صورتیکه عده حضار برای اخذ رای کافی باشد .

رئیس - اصلاح سوم از طرف آقای زنجانی پیشنهاد شده تقریباً همان اصلاحی است که از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده خوانده میشود [بعبارت ذیل خوانده شد]
 ماده دوم - مقصود از اینکه در ذیل ماده هفتم قانون اساسی ذکر شده [وا کثرت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار رای دهند] این است که در رد یا قبول مطلب مطرح شده وقتی حاصل میشود که اکثریت حضار مجلس کافی در اخذ رای یکی از رد یا قبول رای دهند .

رئیس - این دو فقره اصلاح که از طرف آقای ذکاء الملک و آقای زنجانی پیشنهاد شده موافق است با رایورت کمیسیون حالا در اصلاح شاهزاده لسان الحکماء رای می گیریم .

لسان الحکماء - بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم بجهت اینکه می بینم مجلس همان عقیده را دارد .

رئیس - رای می گیریم در اصلاحی که از طرف آقای ذکاء الملک پیشنهاد شده است آقایانیه این پیشنهاد را بطوری که خوانده شد قابل توجه می دانند قیام نمایند (بپول شد) لذا کرده در رایورت کمیسیون امروز رای است بجهت اینکه ماده اول رجوع شد به کمیسیون وقتی که از کمیسیون برگشت آنوقت رای می گیریم ولی آن کمیسیون تفسیر منحل شده است بجهت اینکه سه نفر از اعضاء آن کمیسیون استعفا کرده اند یک نفر هم فوت شده است حالاً باید کمیسیون تجدید شود برای اینکه وقتان تلف نشود اگر آقایان موافقت این کمیسیون را هم از شرم انتخاب می کنیم دستور امروز ما قانون ثبت اسناد و قانون منع احتکار آقای ادیب التجار تقاضا کرده اند که قانون منع احتکار را مقدم بداریم بر قانون ثبت اسناد ولی در دستور قانون ثبت اسناد مقدم است .

وزیر عدلیه - بنده تقاضا می کنم که قانون ثبت اسناد را مقدم بدارند بر منع احتکار بجهت اینکه این فوریت دارد برای اینکه مقداری از آنهم گذشته است و باید تکلیف اداره معین شود و یک اندازه هم معین شده است اینکه بنده تقاضا میکنم که این قانون را مقدم بدارند .

ادیب التجار - چون قانون ثبت اسناد چند ماده اش مانده است و مهم است و آقای وزیر عدلیه تقاضای تقدم آنرا می کنند بنده هم قبول می کنم بشرط اینکه قانون منع احتکار در جلسه آتی در اول دستور گذاشته شود .

افتخار الواعظین - گویا ده بیست ماده از قانون ثبت اسناد باقی مانده است و این قانون منع احتکار فقط چهار ماده است و یک تبصره آقای وزیر داخله هم تشریف دارند گویا اگر قانون ثبت اسناد بماند ایشان تشریف ببرند خوب است اول باین قانون منع احتکار شروع شود که بزودی هم خواهد گذشت .
رئیس - پس رای می گیریم آقایانیه که تصویب میفرمایند که قانون منع احتکار مقدم شود قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)

آقای میرزا ابراهیم خان - رایورت کمیسیون داخله را بعبارت ذیل از ابتداء الی جمله (محظورات آن در ذیل عرض میشود) قرائت نمود .
 کمیسیون داخله برای تجدید نظر بر رایورتیکه سابقاً در خصوص جلوگیری از احتکار داده بود چهار جلسه منعقد گردید بعضی از آقایان نمایندگان هم که اعتراضاتی بر رایورت داشتند تشریف آورده مذاکرات زیاد در این باب و رفع اعتراضات شد بالاخره با اتفاق آراء اعضاء کمیسیون طرح آقای ادیب التجار که در کمیسیون مبتکران اصلاح شده قابل اجراء نیست و برای اثبات مواد کمیسیون مبتکران و اشکالات و محظورات آن در ذیل عرض میشود

ماده اول - هیچکس زیاد بر قدر لازم زراعت و معیشت خود و کسانی که در تحت کفالت او هستند تا برداشت اولین محصول آیند حق حبس گندم و جو و برنج را ندارند .

ماده دوم - هر کس زیاد بر مقدار مذکور در ماده فوق برنج و گندم و جو حبس نماید باید بهر مامی بیست و یک جنس مزبور یا قیمت عادلانه محلی آنرا بکار گذاران دولت بپردازد

ماده سوم - کسانی که برای فروش جنس زیاد از مازونه مقرری خود با اداره حکومتی اطلاع داده و سند کتبی گرفته باشند از مداول ماده دوم معاف خواهند بود اشکالات در ماده اولی بدیهی است وضع این قانون عمومی است و غرض این نبوده که قانونی برای شهر طهران و آنهم در یکسال وضع شود پس بطور کلی نمیتوان گفت که هیچکس زیادتر از قدر معیشت تارفع اولین محصول نباید جنس نگهداری نماید زیرا که اولاً در غالب بلاد دوردست خریدار نیست ثانیاً شاید جنس محتاج الیه نباشد و عنوان احتکار صدق نکند - ثالثاً در صورت اجراء این ماده با نهایت صعوبت ناچار سلب خواهد شد که مقدار زیادی از جنس بلاد قریب بسرحد بخارج حمل شود و این مسئله بالطبع اسباب کمی و گرانی جنس خواهد شد - رابعاً شاید در سال آتی آفات ملخ خوارگی و سن خوارگی ورنه خشک سالی که غالب بلاد ایران اغلب سنوات بآنها گرفتار است بمحصول وارد آید و چون جنس ذخیره نداریم اسباب قحطی خواهد شد خامساً در برنج عنوان احتکار صورتی ندارد در ماده دوم بعلاوه اشکالات سابقه اولاً چون فرض از وضع این قانون توسعه ارزاق است نه تحصیل فایده برای خزانه دولت پس دریافت وجه وافی بتحصیل غرض نیست ثانیاً اگر جنس رو بترقی باشد محسوس است ماهی مبلای بر قیمت افزوده میشود پس کسیکه بی شرفی احتکار را تحمل میکند باک آزادی این جزئی وجه ندارد ثالثاً بستن مسابلات بر مبتکران در واقع یک قسم اجازه است بر احتکار

حالا اگر مبتکرین در اخفای ابتکار بقدر مقدور می کوشند بعد از وضع مالیات بی پروا و بدون ملاحظه مالیات را پرداخته و احتکار خواهند کرد رابعاً این وجهی که دریافت میشود مالیات غیر مستقیم است که اگر چه در ظاهر از مبتکرین گرفته میشود در واقع و حقیقت از بدبختانی که محتاج بجنسند دریافت شده مبتکر هر چه مالیات بدهد بر قیمت جنس خود خواهد افزود خامساً این مطلب کلیتاً مخالف با قوانین شرعی است آنچه در این خصوص در شرح ماعنون شده دو چیز است یکی حد احتکار و دیگری مجازات مبتکر حد احتکار را شارع مقدس در صورت احتیاج عامه مقرر فرموده و مجازات او این است که باید او را الزام بفروش کنند اما نرخ جنس بدست خود اوست فقط اگر خواست در قیمت اجحاف کند باید او را بازداشت در این دو ماده ابتدا این دو مسئله اساسی ملحوظ نشده زیرا که اولاً جنس را مطلق قرار داده اند و معین است که در صورت عدم احتیاج احتکار معنی ندارد پس قید احتیاج عامه ناگزیر است ثانیاً مجازات شرعی مبتکر را که باعث فراوانی و ارزانی بوده هم عمل گذاشته مجازات دیگری که باعث تنگی و سختی و تجویز احتکار است مقرر داشته اند و ماده سوم باینکه وضع این قانون را لغو و باطل کرده بلکه نتیجه که از آن حتماً حاصل میشود اسباب دخل حکام خواهد بود پس از این تفصیلات معلوم میشود که رد کردن کمیسیون داخله این طرح را نه بنا بجماعت مبتکرین بوده نه بواسطه بی اطلاعی از شرایط وضع قانون شرعی حق شارع مقدس است مجلس شورای ملی قوانینی برای جریان ادارات عرفیه وضع میکند و این قوانین همین قدر که مغالفت با موازین شرعی نداشته باشد کافی است حالاً که این مطلب منجر شد می بینیم وضع قانونی برای جلوگیری از احتکار که با وجود احکام شرعی بواسطه بی مالیاتی معمول غالب متمولین و ملاکین است لازم داریم که حکام عرف بوسیله آن یک اندازه از این عادت شوم جلوگیری کنند برای اجراء احکام شرعی چند مقدمه لازم است - اولاً شناختن مبتکرین ثانیاً مقدار جنس از روی تعیین بعضی مظنه و تخمین - ثالثاً مجاز احتکار که در موقع حاجت اگر فرضاً مبتکر غالب شود انبار او که محل حاجت است مشخص باشد رابعاً مقداری که مبتکر برای مصارف شخصی خود لازم دارد پس ماده اولی برای معین وضع میشود و نیز واضح است اگر بهمان نوشتن قانون بدون اجراء اکتفا کنیم و مجازاتی برای متخلف قرار ندهیم هیچ فایده نبرده ایم این است که ماده ثانیه برای مجازات متخلفین لازم است پس از آن بر هر ذی حسی آشکار است که اجراء قوانین تدریجی است و امکان ندارد هیچ قانونی فوراً در تمام بلاد و قریب بدون تأخیر جاری شود پس اگر نرخ و فروش جنس آزاد نباشد ملاکین مطلقاً جنس خود را بشهرها که احتیاج بجنس بواسطه کثرت جمعیت و کمی زراعت خاصه آن زیادتر ازدهات است نیاورده در همان محلی که جنس بعمل آمده انبار میکنند یا از همانجا بیاید دیگر که صرفه دار در حمل مینمایند و تا این قانون در تمام ایران جاری شود اداره تقیث صحیحی داشته باشیم مدتی زمان لازم است پس نتیجه مطلوب حاصل نشده شهرها دچار سختی و تنگی خواهد شد پس باید نرخ و فروش را آزاد گذاشت که ملاکین با امید تحصیل نفع از احتکار

آنرا در قراء و مزارع پنهان نکنند یا بیاید دیگر که مخصوصاً بخارج حمل نمایند و اگر ثبت فروش را نهند بکلی وضع این قانون آمو خواهد بود این است که ماده سوم نوشته شده احتیاج باماد چهارم که خلاصه و نتیجه تمام زحمات و در حقیقت حکم شارع مقدس است واضح تر از آن است که دلیل و برهانی لازم داشته باشد و برای اینکه وضع این قانون اسباب دخل حکام نشود یا اینکه در همه جا بلدی قانوناً دخیل کار است محض مزید اطمینان در موقع فروش انجمن ولایتی با ابالتی را نیز دخیل قرار دادیم برای اینکه تعیین قیمت فقط به میل حکومت نباشد بلکه اعضاء انجمن های ابالتی و ولایتی نیز که غالباً از علماء و اعیان بلد انتخاب میشوند نظارت کرده نگذارند اجحافی به مبتکر یا خریدار وارد آید علاوه بر اینها چون صاحبان جنس هر بلدی غالباً امزه و اشراف آن بلد هستند هرگز راضی نمیشوند شرف و قبول عامه خود را برای جزئی نفعی مخدوش و متشوش نمایند تا خود را با فقرای بلد طرف کنند مادامیکه احتکار آنها فی الجمله در پرده است یا لاقبل باسم و رسم معین نیست باک از آن ندارند اما همین که بنا باشد اسم آنها و مقدار جنس آنها و محل انبار در دفتر حکام و بلدی ثبت و شاید در موقعی درج را بد مذبح بشود بقدر مقدور از این کار اجتناب خواهند کرد و باین واسطه بیک اندازه جلوگیری از احتکار میشود و بعلاوه همین که حکومت شهر که مسئول ارزاق است و بلدی از کسبت جنس بلد اطلاع صحیح حاصل کنند در صورتی که جنس بلد را وافی با احتیاج آن بدانند بهر وسیله باشد قبل از اینکه دچار سختی شوند از خارج تهیه جنس خواهند کرد و اگر قصور کنند معذور نخواهند بود اما اینکه بعضی در نرخ عادلانه مذاکراتی کرده و پیشنهاد نمودند نرخ مشخصی باشد علاوه بر اینکه مخالف با موازین شرعی است از حیز امکان خارج است زیرا که دوشهر در ایران نیست که نرخ جنس در آن مساوی باشد پس بطور عموم تعیین نرخ امکان ندارد برای هر بلدی هم نمیتوان تعیین نرخ حاصل نمود زیرا که در سنوات نظر بکثرت و قلت حاصل و آفت و غیره تغییر خواهد کرد تعیین نرخ هم مطابق قانون از وظایف بلدی است و خوب است تمام نظر را معطوف به بلدی حالیه طهران و بعضی بلاد دیگر نداریم هر گاه در انتخاب اعضاء بلدی دقتی شده و بعضی لواحق بقانون آن اضافه شود امیدوار هستیم در هر بلدی دارای بلدی بصحیح باشیم و این وظیفه قانونی را مجری دارند مع ذلک تبصره برای مواقع سختی و تنگی در آخر ماده چهارم اضافه شده و پاره تغییرات مختصر نیز در مواد اربعه داده شده دیگر اختیارات با اکثریت آراء نمایندگان محترم است ماده اولی - عموم کسانی که جنس انبار می کنند اعم از مالکین و مستاجرین و اشخاصی که جنس خریداری کرده اند مکلفند صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یک ماه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دیناری از این بابت بر آنها تحمیل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر ثانیاً مقدار که از آن برای مصارف شخصی یا بندر و مساعده یا مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تقیث و تحقیق بر حکومت و بلدی محقق شد که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتیکه داده جنس انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ابالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .
 ماده ثالثه - فروش جنس و نرخ آن بکلی آزاد است ولی کسانی که جنس خود را بفروش میرسانند یا مصارف آنها زیادتر از تخمین ابتدائی شده صورت آن را به بلدی و حکومت اطلاع خواهند داد .

ماده رابعه - در موقعی که هیئت مصدق تصدیق کمی جنس برای ارزاق لازم شهر نمایند حکومت باید مطابق صورتیکه از انبار داران گرفته شود در کتابچه مذکور ضبط است احتیاط و الزام کند که بر حسب تقسیم انبار داران باید از جنس خود به نرخ عادلانه روز بفروش برسانند چنانچه پس از اخطار آنها و الزام جنس خود را بفروشد حکومت مکلف است با اطلاع انجمن ولایتی و انجمن بلدی و گذشتن موعد مقرری که از ابتداء معین کرده انبار را باز کرده جنس آنها را بقیمت عادلانه بفروشد و وجه آنرا نقداً بدون کسر تسلیم صاحبان جنس نمایند و هر خرواری یک تومان مجازات نقدی از مبتکر دریافت خواهد شد تبصره - برای تصدیق کمی جنس و تعیین قیمت عادلانه هیئت با هم هیئت مصدق در اداره حکومتی در تحت نظر شخص حاکم مرکب از سه نفر از اعضاء انجمن ابالتی یا ولایتی و سه نفر از اعضاء بلدی و یک نفر از اداره مالیه تشکیل خواهد شد تشکیل این مجلس و تعیین جلسات آن بسته بنظر حکومت و اهمیت موقع و لزوم است

رئیس - این رایورت خیلی مفصل است طبع و توزیع هم شده است دیگر خواندن آن گویا لازم باشد چون این مدتی است که مطرح بوده و محض توضیحات بکمیسیون رفت آقایانی که در کلیات این مخالف هستند بفرمایند .

حاج شیخ علی - کلیات این مذاکره شده نو ریش هم رای داده شده این مدتی است و الا در کلیاتش رای داده ایم و فوریتش هم تقاضا شده و رای داده ایم **رئیس** - در فوریتش خاطر ندارم که مجلس رای داده باشد .

مشیر حضور - بنده تقاضا میکنم .

رئیس - تقاضا میکنید استدلال بکنید تارای بگیریم .

مشیر حضور - دلیل فوریتش این است که این قانون منع احتکار است و خیلی مهم خیلی وقت هم هست که مانده است این دلیل فوریت آن است **رئیس** - رای میگیریم فوریت این لایحه **ادیب التجار** - این رای مجدداً است گویا فراموش شده است بنده فوریت این را تقاضا کردم و رای هم داده اند در صورت مجلس هم قید شده و در روزنامه ها هم نوشته شده است

رئیس - چون بنده آن وقت رئیس نبودم و باید رجوع بکنیم بصورت مجلس حالا مجدداً رای میگیریم ماده اولی بعبارت ذیل خوانده شد .

ماده اولی - عموم کسانی که جنس انبار میکنند اعم از مالکین و مستاجرین و اشخاصی که جنس خریداری میکنند صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یک ماه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دیناری از این بابت بر آنها تحمیل شود اولاً مقدار جنس بدون کسر ثانیاً مقدار که از آن برای مصارف شخصی یا بندر و مساعده یا مالیات لازم دارند ثالثاً محل انبار .

میکند صورتی که دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند و نوشته از این بابت دریافت دارند بدون اینکه دیناری از این بابت بر آنها تحمیل شود - اولاً مقدار جنس بدون کسر - ثانیاً مقداریکه از آن برای مصارف شخصی یا بندر و مساعده یا مالیات لازم دارند - ثالثاً محل انبار .

وزیر داخله - اساساً در این ماده نظر کابینه وزراء مساعد است با این و بمناسبت اهمیت مطلب خیلی لازم میدانند که دولت در این قانون و هر قانونی که وضع میشود خیلی دقت شود و رعایت این دولت که لازم است اولاً باید قانونی وضع کرد که مقتضیات امروزه این مملکت و فقدان نقصان و مسائل و اسباب لازمه بتواند بموقع اجراء بیاید و الا اگر یک قانونی اینچنین وضع شود و بواسطه فقدان اسباب و وسائل نتواند کاملاً بموقع اجراء بیاید در حقیقت معنی است که قانون وارد میآید یکی این بود که باید رعایت شود و نکته دیگر هم این است که در وضع قانون همیشه باید این ملاحظه را بکنیم که اشخاصیکه امروزه مجرای قوانین خواهند بود یعنی آن اشخاصیکه دردهات باسم مباشر یا مأمور مکلف خواهند بود که این قوانین را اجرا بکنند اینها عادی هستند بیاره عادات که تا بکی دو سال نمیتوان آن عادات را از آنها رفع کرد پس باین ملاحظه باید این نکته را رعایت کرد که طوری قوانین وضع شود که حتی الامکان برضایا و رعایا ظلم و تعدی وارد نشود نکته اولی که عرض کردم این است ملاحظه بفرمایید میگوید - ماده اولی عموم کسانی که جنس انبار می کنند اعم از مالکین و مستاجرین و اشخاصیکه جنس خریداری کرده اند مکلفند صورتیکه دارای مواد ذیل باشد در موقع انبار کردن جنس در ظرف یکماه با اداره حکومت و بلدی بدهند اگر چه اینجا میگوید در ظرف یکماه با اداره بلدی و حکومت بدهند اگر چه میفهماند که بحکومت و بلدی بدهند ولی این قانون برای آنجا هائی است که مرکز حکومت باشد و بلدی داشته باشد و جاهائیکه بلدی و حکومت ندارد این قانون برای آنجا هائیکه هیچ معلوم میکند ولی یک قانونی که وضع شد باید اهمیت داشته باشد لهذا همان اشخاصی که یک جنس مختصری دو خروار سه خروار چهار خروار دارند صورت دادن آنها بیکسری که در آنجا حکومت یا بلدی هست این خالی از اشکال نیست اگر اینها را مجبور کنیم که صورت بدهند ولو آن مقداری را که برای همیشه خودشان نگاه داشته اند پس آنوقت باید ماده اولی را تغییر داد و اگر مجبور میکنید آنوقت از انقضای دهات ایران از میان رهایی که معلوم است که از صد نفر یک نفر دو نفر سواد ندارند و عادی باین ترتیبات نبوده و نیستند تحمل نتوانند در آنجا بیکسری که کرده فرسخی دوازده فرسخی بیست فرسخی هست که در آنجا حکومت و بلدی هست اطلاع بدهد و ممکن هست همینکه اونوقت استه است در م و در مدتی بر کس اطلاع بدهد این بدست مباشرین جزء یک وسیله باشد که بتوانند بوسیله آن بهانه در حق آن کسیکه دو خروار جنس برای آذوقه خودش دارد اسباب صدمه و زحمت قرار بدهد اینچنینی که برای ابتکارها لازم است در مالک دیگر در مملکت مانع است اولاً سواد ندارند که

توسط روزنامه‌ها یا اعلانات دیگر هر کس مطلع شود که امروز چه قانون وضع شده است و باید از روی چه نظامنامه اجراء شود و همبطور پست و وسائل نقلیه دیگر درمه‌جا نیست تحمیل رعیتی تا مدت های مدید هیچ اطلاعی پیدا نکند از این قانون و مباشری که بخواند باو صدمه بزند ممکن است همین راعنوان بکند و بگوید که شما در این یکماه از آن یکخروار گندمی که انبار کرده‌اید هیچ اطلاع نداده اید ببلدیه که در پانزده فرسخی واقعست پس مقنن باید ملاحظه این را بکند که قانون را طوری وضع کند که باحالت حالیه مملکت اسباب ظلم و تعدی نشود باین مناسبت بنده گمان می‌کنم که یکقدری در این ماده اولی خوب بود معین میشد که متجاوز از سه خروار چهار خروار یا پنج خروار هر اندازه که بنظر آقایان محترم برسد معین فرمایند که آن اشخاصی که متجاوز از این میزانرا دارند آنها مجبور باشند که اطلاع بدهند اما آتھائی که انبار دارند یا خریده اند که برای ترقی فایده ببرند بیست خروار سی خروار ده خروار انبار کرده‌اند یا مستاجرند ملکی را اجاره کرده‌اند آنها باید اطلاع بدهند این مقداری که عرض کردم مقداری است که بقیر بذر خواهد بود اشخاصی که یک مقدار کمی برای خودشان ذخیره میکنند آنرا عرض نمی‌کنم آنها معلوم است این رعایت خیلی خوب است که شده که بآنها چیزی تحمیل نخواهد شد و آتھائی که یک مقدار زائدی دارند باید اطلاع بدهند و درموقع لزوم بآنها خواهند گفت که انبارش را باز کند و بفروشد اما همین قدر که بکف باشند که اطلاع بدهند این اسباب زحمت است برای آنها حالا در این باب در ماده اولی گمان اینست که یکمقداری برای آنها معین شود اشخاصی که زائد بر آن مقدار را دارند آنها مکلف باشند رعایت این قانونرا بکنند.

افتخار الواعظین - بنده که از آقای رئیس

اجازه خواستم که بعضی تغییراتی که در این مواد داده شده است در بعضی نسخه‌ها نیست آن تغییرات را هم معین فرمایند برای همین فرمایشات آقای وزیر داخله بود عین این فرمایشات را در کمیسیون داخله هم فرمودند و بنده هم تصدیق میکنم ولی با این تغییری که در ماده ثانیه داده شده است رفع آن اشکال خواهند شد می‌نویسد (ماده ثانیه) هر گاه پس از تفتیش و تحقیق برحکومت یا بلدیه محقق شد که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتی که داده انبار کرده حکومت حق دارد با اطلاع مدعی العموم و انجمن ایالتی یا ولایتی انبارسازین بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد - حالا اگر کسی آمد یکتغییری و یک رعیت ضعیفی در یکدهی پنج خروار جنس دارد که نتوانسته است آن پنج خروار را بحکومت یا بلدیه که باید اطلاع بدهد مباشرین در مقابل این شخص چه خواهند کرد ماده ثانیه میگوید که حکومت با حضور مدعی العموم و در زمان حاجت وقتیکه تمام محتاج بآن سه خروار باشد و ارازا کم و گران باشد انبار او را قبل از انبار سایرین جنسش را میفرودشد پولش را بالتمام باو میدهد و در کمیسیون این فرمایش آقای وزیر داخله بیک علت بود که اعضای کمیسیون داخله تصویب نکردند در اینجا قید بشود و آن این است که ممکن است در یکدهی دهنه ذره جمع شوند بطریق اشتراك هر کدام پنج خروار غله بخرند انبار کنند و مجموع میشود پنجاه خروار و از برای آن پنجاه خروار حکومت احتیاج دارد ولی نمیتواند آن ۵۰ خروار را که آن دهنه بالا اشتراك آدمی پنج خروار جدا جدا انبار کرده اند از دست آنها بگیرند خواهند گفت شما مطابق قانونیکه نوشته اید زاده از پنج خروار را نوشته اید و ما زبانه از آن نداریم آنوقت حکومت از استفاده آن پنجاه خروار محروم خواهد ماند وانگهی آقای وزیر داخله فرمودند که برای اجراء قانون در وزارت داخله نظامنامه نوشته خواهد شد البته در آن نظامنامه هر شکل که اسباب سهولت جریان این قانون را که آسایش رعایا منظور شود ممکن است قید فرمایند کدر مقام اجراء آن قانون دچار بعضی اشکالات نشویم.

وزیر داخله - فرمایشاتی که آقای مخبر

فرمودند گمان میکنم این محظوظ رافع نمیکند راعت است برای اجراء هر قانونی باید یک نظامنامه نوشته شود ولی اساس کار همان قانون خواهد بود و نظامنامه طرح عمل آن نظامنامه نمی‌تواند طوری تغییر بدهد مایه قانون را که آن مقصود بهتر برود بله بنسبیت همان نظامنامه بنده عرض میکنم که در این ماده اولی تغییراتی باید داده شود بجهت اینکه در این ماده اولی میگوید مکلفند که صورت بدهند و این ماده اولی که همه آتھائی که یکجنس دارند اعم از یک خروار تاده خروار یا زیادتر مکلف میکنند قانون که صورت بدهند آنوقت نظامنامه مجازات معین میکند و باید هر کس به تکلیف بر رفتار نکرده است برای او یک مجازاتی قرار بدهد پس باین مناسبت چون گفته اند مکلف است لابد است هر کس که ده من جويا گندم دارد و صورتی بدهد و بطوریکه عرض کردم صورت دادن این اشخاصیکه ده فرسخی یا زنده فرسخی میزانش معین شده است هستند باید بیایند صورت بدهند و یکصعوبت بی خودی تحمیل کرده ایم برصفا بجهت اینکه مقصود مقنن این نیست که از صفا که یکخروار دو خروار سه خروار یا پنج خروار جنس برای آذوقه یا برای بذر خودشان دارند درموقع شدت بخواند از آنها استفاده کند مقصود آن کسی است که مقدار زیادی را در انبار نگاه داشته است اما وقتیکه گفته شد مکلفند آنها هم باید صورت بدهند پس نباید یک چیزی را نوشت که بر اشخاص بدون جهت یک زحمتی وارد شود بدون اینکه دولت بتواند دره واقع ضروریه از آنها استفاده کند حالا آقای مخبر در جواب بنده میفرمایند ممکن است که چند نفر بالا اشتراك مثلا دهنه پنجاه خروار جنس انبار کنند و میگویند در موقع تفتیش این مقدار را داشتیم و از این فایده مستثنی هستیم بنده عرض می‌کنم که این یک نوع تقلبی است در این مملکت همه قسم تقلب ممکن است بشود البته آن نظامنامه آنوقت چهاره این تقلب را خواهد کرد البته درده جای این مملکت ممکن است یک همچو چیزهای واقع شود ولی نمیشود برای آن ده جا یک زحمت کلی بر همه وارد آورد. و جماعتی را دچار صدمات کرد در مواردی که همچو چیزی اتفاق میافتد و جماعتی مشترکاً یکمقداری را احتکار میکنند باین عنوان البته آن خود یک تقلبی است که حکومت وقتی که با اطلاع یافت جلو گیری خواهد کرد.

حاج وکیل الرعایا - عرض بنده در

اینجاست خوب است حرف هر کس را خودش بزند شایع میدانید من مخالف با موافق (دانه مفاویح النیب لایعلمها الا هو) از باطن بنده که خبر ندارم که چه میخوانم بگویم بنده عرض میکنم اینکه فرمودند در کلیات این قانون مذاکره شده است این آن قانونی است که در کلیاتش مذاکره شده است تمام آن تغییر کرده است حالا چون مجلس میفرمایند ملاحظه کرده شد در آن عرضی ندارم بعلاوه عرض میکنم قانون برای اجراء است آیا میخوانم که شما ضروری یا گرفتاری که دارید در این مملکت از برای اجراء قانون است یا از عدم قانون از کدامشان است اگر بگویند قانون ندارد گوش بنده حاضر نیست برای شنیدن و عرض می‌کنم که ندارد که بگویند اجرا نمیکند آنرا هم می‌توانم بگویم که مسامحه شده اما آدمی بر سر آن جزئیات که آنها را خوب بسنجیم و به بینیم که آیا آن قانون که بشود پشتیبانش خیلی بیشتر از این قانون است که اینها گذارده شده آدمی که بگویم بقدر جنس داری در مقام اجرا فرض کنید بنده یکی از مأمورین اجراء شاهستم در یکی از دهات می‌آیم میگویم که بقدر جنس لازم داری آن ذارع اول معلوم است که دروغ نمیتواند بگوید اما مالک چه میگوید مالک میگوید که هر چه که اینها می‌کنند در آینه ندارند و آنها یک ذارع من محسوب می‌شوند من مکلفم که احتیاط همه اینها را داشته باشم برای اینکه در یک محلی که همه دارا نیستند لابد اشخاصیکه بی بضاعت در بین آنها هست و اگر بخوانیم باین جزئیات متوجه باشم آنوقت از این اداراتیکه همه شماها می‌شناسید و میگویند که مخارجش هم خیلی زیادتی کرده است حالا می بینم که خیلی خیلی بیش از این رسیدگی باین کار اجراء لازم دارد و بنده گمان میکنم که آن قانونیکه ارازا مردم را تهیه کند به مراتب خیلی بهتر از این نوشته شده است و بقدر لزوم و کافی است فقط اجرا نکردن آن سبب شده است که ما اینجا داخل این مذاکرات بشویم و اگر آن را اجرا بکنیم دیگر هیچ محتاج باین نخواهیم بود و خود آن کافی است برای آنکه مردم را در رفاهیت نگاهدارد اما یک فکر عمومی که ما را در سختی نگاه داشته است شاید تماش هم از جنس نباشد ممکن است در خیلی جاهائی که چندین احتکار در کار نباشد ارازا را یک جا جمع کرده است و جائی دیگر که بآنها خیلی نزدیک است که ما جنس داشته باشیم لکن بکار امروزان که سختی است بخورد مثلا در بروجرد که تا همان که یک کی راه است می‌بینید که سختی است ولی در همان زیاد است این جهش آن است که وسائل حمل و نقل نداریم در این مملکت کم است و خیلی سختی حمل و نقل میشود پس گمان میکنم که از هر منع احتکاری یک چیزی

کافی است که لازم است فراهم کند و آن تهیه وسایل حمل و نقل خواهد بود یعنی راه آهن خواهد بود.

افتخار الواعظین - بنده معنی فرمایشات آقای

حاج وکیل الرعایا را نفهمیدم میفرمایند که هیچ وضع این قانون لازم نیست برای اینکه قانون مقدس اسلام قانون منع احتکار را معین کرده است بنده هم تصدیق دارم شارع مقدس سه چیز را معین کرده که آن سه چیز در این قانون نوشته شده یکی اینکه احتکار کسی مصداق پیدا میکند آن در وقت حاجت است اگر کسی دوست خروار گندم را انبار بکند و یکس نفروشد مردم احتیاج نداشته باشند او را محکوم نمیگویند اگر در وقت حاجت داشت و نفروخت در اصطلاح شرع او را محکوم نمیگویند و این در اینجا نوشته شده است دیگر احتیاط چه چیز است که شارع مقدس احتکارش را ممنوع فرموده گویا جزو گندم و مویز و زیت است که در اینجا دو چیزش کفوت غالب است قید شده است و دیگر حد مجازات محکوم است و مجازات محکوم راهم شرع مقدس معین کرده است که اگر مردم محتاج باشند بآن جنس او و نفروخت حاکم شرع او را اجبار و از او میبندد که بخرش عادل شهر بفروشد و این عین آن مواردی است که کاملا آن سه چیز در آنها رعایت شده است و اگر میفرمایند که این قانون لازم نیست بنده عرض میکنم دیگر در وضع و عدم وضع آن نمیتوانیم مذاکره بکنیم و اگر میفرمایند که در وضع اجراء آن ادارات زیاد لازم خواهیم داشت آنرا هم عرض میکنم که خیر اگر این چهار ماده را بدقت مطالعه میفرمودید میدیدید که یک اداراتی که تازه بخواهند تاسیس بکنند لازم نداشت بجهت آنکه اختیاراتی که بحکومت و بلدیه در ذیل قانون بلدی و وزارت داخله داده‌ایم عین آن اختیارات را این قانون تأکید میکنند و از برای اجراء آن تأسیسات جدید لازم نخواهد بود بلی قوانین در شهر لازم است و وزارت داخله هم این قانون را اجراء میکند و وضع آن را برای رفاه حال مردم خیلی لازم میدانم.

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد دو فقره

اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود.

افتخار الواعظین - در این مواد بعضی

تغییراتی داده شده است اجازه بفرمایید عرض کنم.

رئیس - بفرمایید بخواهید بنویسید.

آقای افتخار الواعظین - ماده اولی را خواند و لفظ (مکلفند) را به (باید) تبدیل کردند.

وزیر داخله - آن محظوظریکه بنده عرض

کردم این لفظ (باید) یکقدری هم زیادتر کرد.

اول - اصلاحی از طرف آقای فهیم‌الملک پیشنهاد شده

(ب عبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که بر ماده اولی از قانون

منع احتکار این کلمه افزوده شود (عموم کسانی که زیاد از پنج خروار جنس انبار میکنند الخ).

دویم - از طرف شاهزاده لسان الحکماء به

مضمون ذیل قرائت شد اصلاح ماده اولی - عموم کسانیکه بیش از دو خروار جنس انبار میکنند.

سیم - از طرف آقای معزز الملک بعبارت ذیل

قرائت شد.

ماده اولی - عموم کسانیکه جنس انبار میکنند

اهم از مالکین و مستاجرین و اشخاصی که جنس خریداری کرده اند در صورتیکه جنس انباری ایشان

فهم‌الملک کسانیکه موافق هستند قیام نمایند

(اغلب قیام ننمودند) در شد.

معزز الملک - در موقع وضع این قانون

گویا نمایندگان محترم و اعضای کمیسیون نظرشان فقط بتهران بوده است که هیچ اشکالی نخواهد داشت برای اینکه بروند اداره حکومت یا بلدیه که اظهاری بکنند و یک صورتی بدهند در صورتیکه بنده معین من در این موارد باید نظر را وسیع تر کرد و باید ملاحظه کرد که در این موقع که این قانون صورت قانونی پیدا کرد شامل تمام افراد ایرانی خواهد شد که می‌خواهند یک گندمی برای خودشان نگاه بدارند علی‌الخصوص باین ترتیبی که در این ماده نوشته شده است که اداره حکومت و بلدیه اطلاع بدهند یعنی تمام بلوکاتی که هست آن بیچاره که دو خروار گندم دارد و ده فرسخی بیست فرسخی یک جانی واقع شده است که در آنجا اداره دولتی نیست باید خیلی زحمت متحمل شود و ۲۰ فرسخ راه را طی بکند باین اداره حکومت یا بلدیه اطلاع بدهد که در خروار غله دارد و این غیر از اسباب زحمت تصور می‌کنم که هیچ نتیجه نداشته باشد کلیتاً در موقع وضع قانون مقنن باید نظرش این باشد که اشکالی فراهم نباید بلکه اسباب رفاهیت مردم و مایه تسهیل کار اهالی بشود نه اینکه یک قانونی ترتیب بدهند که تولید اشکال و برای مردم هزار زحمت تراشی بکند حالا به بینیم که چه طور است که ما بنویسیم اگر کسی زیادتر از ده خروار چنانچه پیشنهاد کرده بودم یا اینکه در خروار بیشتر داشت اطلاع بدهد و به بینیم مقصود از وضع این قانون چه چیز است و فلسفه این قانون چیست مقصود از این قانون جلوگیری از احتکار است پس از اینکه این قانون از مجلس گذشت شما دیگر حق نمیدید بآن کسان که محکومند که جنس خودشان را انبار کنند و برخی که بخواهند بفروشد مقنن بدانید که آنکسی که ده خروار گندم برای ذخیره خودش دارد او نمیتوان گفت که محکوم است زیرا

رئیس - رای میکنیم باصلاح آقای

فهم‌الملک کسانیکه موافق هستند قیام نمایند (اغلب قیام ننمودند) در شد.

معزز الملک - در موقع وضع این قانون

گویا نمایندگان محترم و اعضای کمیسیون نظرشان فقط بتهران بوده است که هیچ اشکالی نخواهد داشت برای اینکه بروند اداره حکومت یا بلدیه که اظهاری بکنند و یک صورتی بدهند در صورتیکه بنده معین من در این موارد باید نظر را وسیع تر کرد و باید ملاحظه کرد که در این موقع که این قانون صورت قانونی پیدا کرد شامل تمام افراد ایرانی خواهد شد که می‌خواهند یک گندمی برای خودشان نگاه بدارند علی‌الخصوص باین ترتیبی که در این ماده نوشته شده است که اداره حکومت و بلدیه اطلاع بدهند یعنی تمام بلوکاتی که هست آن بیچاره که دو خروار گندم دارد و ده فرسخی بیست فرسخی یک جانی واقع شده است که در آنجا اداره دولتی نیست باید خیلی زحمت متحمل شود و ۲۰ فرسخ راه را طی بکند باین اداره حکومت یا بلدیه اطلاع بدهد که در خروار غله دارد و این غیر از اسباب زحمت تصور می‌کنم که هیچ نتیجه نداشته باشد کلیتاً در موقع وضع قانون مقنن باید نظرش این باشد که اشکالی فراهم نباید بلکه اسباب رفاهیت مردم و مایه تسهیل کار اهالی بشود نه اینکه یک قانونی ترتیب بدهند که تولید اشکال و برای مردم هزار زحمت تراشی بکند حالا به بینیم که چه طور است که ما بنویسیم اگر کسی زیادتر از ده خروار چنانچه پیشنهاد کرده بودم یا اینکه در خروار بیشتر داشت اطلاع بدهد و به بینیم مقصود از وضع این قانون چه چیز است و فلسفه این قانون چیست مقصود از این قانون جلوگیری از احتکار است پس از اینکه این قانون از مجلس گذشت شما دیگر حق نمیدید بآن کسان که محکومند که جنس خودشان را انبار کنند و برخی که بخواهند بفروشد مقنن بدانید که آنکسی که ده خروار گندم برای ذخیره خودش دارد او نمیتوان گفت که محکوم است زیرا

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که

اصلا این پیشنهاد ها کلیتاً چه چکدام لازم نیست زیرا که هر قانونی را باید ملاحظه کرد اجرائش باینکه چه محلی است چه طور باید اجرا شود این فقط احصایه جنسی را معین میکند اینکه صورت بدهد یعنی آن کسیکه در خروار دارد صورت بدهد یعنی چه جهش چیست اگر بگویم اجبارش کنند ما که گفته‌ایم در وقت ضرورت حکومت محل میتواند اینکار را بکند پس تمام این پیشنهاد ها بنده مخالف است با آن نظر اینکه در کمیسیون شد و فایده ندارد بجهت اینکه صورت دادن رفع زحمت را نمی‌کند.

رئیس - اینکه بنده اول خواستم در اصلاح

شاهزاده لسان الحکماء رای بگیریم برای این بود که آقای فهیم‌الملک اصلاح خودشان را دفاع نکردند حالا اگر می‌خواهید دفاع کنند چون ایشان پیشنهاد کردند که در خروار باشد بنده در خروار رای خواهم گرفت والا بنده مطابق نظامنامه میتوانم در آن رای بگیرم حالا رای میکنیم به پیشنهاد شاهزاده لسان الحکماء آقایانی که موافقت قیام نمایند اغلب قیام ننمودند رد شد.

محتکر صد خروار دوپست خروار انبار میکنند برای اینکه بفروشد و منفعت ببرد حالا مخبر محترم خواهند گفت که از این راه ممکن است که يك تقلبی بشود که يك جمعی بشرکت مقدار زیادی گندم بخرند و پنج خروار پنج خروار هر کدام نگاه بدارند بعد بفروشند اگر کلبه بخواهند در قانونیکه میگذارند یعنی آن قانونی که در اینجا میگردد هیچ ممکن نشود که در آن تقلب بنمایند این را بنده تصور میکنم که نه در اینجا بلکه در تمام دنیا تا بحال همچو چیزی نشده است ایجاد بشود هر قانونی که وضع میشود لابد يك پشتیبانی خواهد داشت و يك مواردی که نتوان از حدود آن تخلف کرد پس اگر عده آن کسانی که باین ترتیب فرمودند يك یا دو یاسه باشند تصور نمیکنم مقنن برای چهل خروار نباید نظرش را اینقدر تنگ بکند و ما میگوئیم که احتکار نشود وقتی که ما میگوئیم که از هر محلی کسی نمیتواند بیش از ده خروار را ذخیره کند همین خودش اسباب این خواهد شد که گرفتار بسختی و گرانی نخواهند شد که محتاج باز کردن انبار دیگری بوده باشند بلکه این اسباب آسایش شده است یعنی همان چیزی که شما اسمش را تقلب میگذارید يك چیزی شده است که اسباب رفاهیت جمعی را فراهم نموده است و خودش گذران خودش را میکند بدون اینکه محتاج بشکستن انبار دیگری باشد در این صورت نرخ غله هم نمیتواند ترقی بکند و در صورتیکه بنده با این عقیده همراهم و همانطوری که عرض کردم یعنی اگر اجازه بدهند که زیاده برده خروار را اجازه بدهیم این يك اسباب سهولتی است و آنکس هم که داراست و میخواهد غله انبار کند با اداره بلدیه و حکومت اطلاع بدهد ولی برای رعایای این يك رفاهی نیست بلکه يك زحمت بزرگی است که آن بیچاره که در آن ده فرسخی و بیست فرسخی می نشیند يك اسباب دعا گوئی برای شما فراهم خواهد کرد و تصور نمیکنم هر رهیتی برای دو خروار گندم بتواند بیاید با بعد راه اطلاع بدهد و صورت بدهد يك مسئله دیگر هم در آن پیشنهاد بنده هست و لازم است عرض کنم در این باره کمیسیون نوشته است که هر کسیکه میخواهد غله انبار کند باید با اداره بلدیه یا حکومت اطلاع بدهد بنده در پیشنهاد خودم باز همان تسهیل کار يك نظر دیگری را هم اضافه کردم و آن لفظ مباشرت است بجهت اینکه ممکن است يك بلوکی باشد خیلی دور دست از اداره حکومت چنان معلوم میشود که مرکز مقصود مرکز آن حوزه حکومت است و در صورتیکه ممکن است در يك بلوک دور دست مباشری باشد آنجا ولی چون اسمی از آنها در این قانون برده نشده است ممکن است که آن مأمورین اجرای این قانون همچو تصور می کنند که اگر يك کسی بیايد بحوزه مباشری بلوک خودش و صورت آن جنس انباری خودش را بدهد آن هنوز مسئول است و باید محکماً بر مرکز حکومت اطلاع بدهد این بود که بنده اینجا در پیشنهاد خودم اضافه کردم با اداره حکومت و بلدیه یا مباشر محل خودش اطلاع بدهد این نظر

بنده بود که عرض کردم و بالاخره می خواهم این عرض را هم بکنم و آن این است این عرضی را که میکنم هیچ نمی خواهم یکدیگر را رد بکنیم یا اینکه ایرادی بآن کسانی که این قانون را پیشنهاد کرده اند وارد بیاوریم خیر این طور نیست و حالاً نباید هم این قدر جدیت کرد که این ماده چون از کمیسیون آمده است باید بگذرد خوب است که ملاحظه بکنید یکظوری شده که اسباب زحمت دیگران نشود (مجدداً پیشنهاد ممبران الملك قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد اصلاح آقای ممبران الملك را قابل توجه میدانند قیام نمایند
رئیس - با اکثریت رد شد و آقای حاج شیخ علی سه خروار پیشنهاد کرده بودند در صورتی که پنج خروار پیشنهاد سه خروار بطریق اولی رد خواهد شد (در این موقع پیشنهادی از طرف حاج سید ابراهیم بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اول بجای اداره حکومت لفظ حکومت محل نوشته شود)

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم در پیشنهاد آقای ممبران الملك این لفظ مباشر خوب نوشته شده بود و اقاماً مراد کمیسیون هم حکومت ولایتی و ایالتی که در مرکز است نبوده مقصودش حکومت جزء است و حاکم دهی که ملتزم است به التزام آنجا بنده گمان می کنم که پیشنهاد آقای ممبران الملك از جهت مباشر رد نشد از جهت ده خروار رد شد بنده تصدیق می کنم آن لفظ مباشر را خصوصاً که این ماده مقید است به الکی و مستأجرین بنده تقاضا می کنم که لفظ مباشر محل که در پیشنهاد ایشان بوده بماده اول زیاد شود.

افتخار الواعظین - بنده که مخبر کمیسیون هستم کلمه مباشر را قبول می کنم که نوشته شود.

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم در پیشنهاد سرکار دیگر لازم نیست رای بگیریم

حاج سید ابراهیم - بنده هم قبول دارم چونکه آقای مخبر قبول کردند در این موقع اصلاحی از طرف نیرالسلطان به عبارت ذیل قرائت شد.

بنده پیشنهاد می کنم شرح ذیل بر ماده يك افزوده شود (زارهی که بقدر کفایت آذوقه دارای جنس باشد از این قانون مستثنی هستند مشروط بر اینکه بیش از مایحتاج خود انبار ننموده باشد هر گاه در موقع تقشیر معلوم شود که بیشتر از احتیاجات جنس انبار نموده موافق ماده چهار با او معامله می شود)

رئیس - رای میگیریم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند.

رئیس - با اکثریت رد شد و گمان میکنم مذاکرات امشب کافی باشد در جلسه آتی به از ماده دو به بعد مذاکرات خواهد شد (اظهار شد که صحیح است)

رئیس - از مخبر کمیسیون معارف خواهش می کنم در باب اصلاحاتی که در قانون اساسی معارف

شده بود و رجوع به کمیسیون گردید زودتر راپورت او را بدهند و همینطور از مخبر کمیسیون فواید عامه از بعضی کمیسیونها که بعد از اینکه هیئت رئیسه خودشان را معین کردند اطلاعاتی که خواسته بودیم و مطرح شده است از اغلب کمیسیونها جواب رسیده است ولی از کمیسیون عدلیه و کمیسیون بودجه هنوز جواب نرسیده است خواهش میکنم آن مطالبی که خواسته بودیم زودتر جواب بدهند چون دستور مجلس تغییر میکند و بنده همچو خیال میکردم که دستور امروز - امروزمی گذرد نگذشت این است که مجدداً دستور را معین می کنم دستور شنبه شور اول در قانون منع احتکار شور دوم در قانون ثبت اسناد دستور سه شنبه راپورت کمیسیون نظامنامه راجع به دیر آمدگی و غیبت شور دوم قانون ثبت اسناد دستور پنجشنبه قرار داد کمیانی خالصجات قانون عتیقات و از آقایان خواهش می کنم بعد از اینکه جلسه ختم شد شعبات را تشکیل و هیئت رئیسه خودشان را معین و انتخاب کنند و آن کمیسیون تفسیر هم که بنا شد از شعبات معین کنند آن کمیسیون راهم امشب معین کنند.

آقای شیخعلی شیرازی - بنده عرضم این بود که نماینده قایمات مدتی است اعتبار نامه اش بمجلس آمده و يك مرتبه هم مذاکره شده و حالاً ظاهراً دیگر معطلی ندارد آمدنش به مجلس مختصر هم هست طولانی نیست اگر آقایان تصویب کنند در یکی از این جلسات معینه جزء دستور گردد.

رئیس - عرض میکنم این مسئله هنوز تمام نیست که جزء دستور بشود شعبه سوم که تشکیل شد رسیدگی میکنند راپورتش را می دهند بعد از آن جزء دستور میشود.

هشترودی - بنده استواری از آقای وزیر داخله داشتم.

رئیس - به بینید حاضر هستند و سؤال بایشان رسیده است.

هشترودی - آقای وزیر داخله سؤال بنده رسیده است بحضرتعالی.

وزیر داخله - بلی رسیده است بفرمائید

هشترودی - بنده برای اینکه از موضوع خارج نشوم مجبورم که قبل از سؤال مقدمه عرض کنم تا نتیجه درست معلوم گردد مسلم است هر دولت نسبت بآن اشخاصی که مقوم آن دولت شوند و از خودشان آن دولت را تشکیل دادند آن اشخاص نسبت بآن دولت بمنزله اولاد میشوند خصوصاً آن اولاد هائی که واقماً در تشکیل آن دولت جانفشانی کرده و زحمات کشیده باشند خیلی هم خدمات دیده باشند آنها اولاد خلف میشوند و آنها هم که اولاد ناخلف دولت باشند باید بنظر اولادی بآنها نگاه بکنند نمی تواند به نظر اجنبی بآنها نگاه کند مثلاً بنده اولادی دارم خیلی هم ناخلف باشد می خواهم او را ترك بکنم چه میکنم مثلاً آنها هم که در خانه من نامحرم هستند یا او که رفتار نمی کنم چون بازی گوش است يك تنبیهی لازم دارد لکن باز آن محرمیت را دارد در خانه من و باز اولاد من است در تشکیل این دولت جدید هر کسی که زحمت کشیده

بدون استثناء چه از طرف رشت خراسان جای دیگر را خارج داخله بنده که یکی از نمایندگان هستیم او اولاد دولت و ملت می دانم چونکه در این اساس خدمت کرده است و عرض کردم هر اولاد هم که صالح نمی شود بلکه اولاد طالح هم میشود غرض از آن اشخاصی که خدمات آنها را بنده برای العین دیده ام و مشاهده کرده ام در آن جنک های شدید یکی یار محمد خان کرمانشاهی است آن جنک هائی که کرده و سینه هائی که سپر بلانموده است در تأسیس دولت مشروطه کرده است و او بغیر اشخاصی است که در این دولت خدمت کرده است و بنده در آن جنک ها از آقایانیکه پیش جنک بوده است و خودم دیدم یکی همین است و با اعتقاد بنده هر کس که در این جا از این اولاد ها بوده اند یک مختصر ناخلفی داشته اند و خودمان هم گفته ایم یک تأدیبی بنظر اولادی بآنها بشود که خیلی بهتر بشوند و چون برای اولاد دلم میسوزد لهذا سه مسئله از آقای وزیر داخله که اینجا تشریف دارند سؤال دارم یکی این است که یار محمد خان چطور رفتند و چطور او را راه انداختید و کجا باید برود و یکی آسودگی او را چه در راه و چه در جانی که هست کی فراهم خواهد نمود اینها را جواب بدهند که بنده آسوده باشم.

وزیر داخله - یار محمد خان کرمانشاهی را در روز قبل بکرمانشاهان فرستاده اند چون داخل در نظامی بود از طرف وزارت جنک فرستاده شد به کرمانشاهان و دو بیست و بیست و چهار تومان هم مخارج راه باو دادند تا کرمانشاهان که محل خودش است می برند او را و بمدقیدی نخواهد داشت.

هشترودی - چون عرض کردم که اینها بمنزله اولاد دولت هستند باز بطریق سؤال عرض میکنم در کرمانشاهان اگر توقیف کردند یک قدری شاید نسبت بآنها نیکه مخالف بودند در تأسیس این اساس باو اهانتی بشود بد بگذرد بنده میخواهم عرض کنم اسباب آسایش برای او فراهم آورده اند که مبتلا بشماتت آن اشخاص نشود که اسباب زحمت او بشود یا خیر.

وزیر داخله - مخصوصاً این نکته رعایت شده چه نسبت باو و چه نسبت باشخاصیکه خودشان رفته اند یا آنها را فرستاده اند این قسم رعایت شده است غیر از حکومت مرکزی که این اقدام کرده است از کسانی دیگر توهینی نشود.

رئیس - آقای عز الملک مطلبی داشتید آنوقت که اجازه خواستید مجال نشد حالا بفرمائید.

عز الملک - مقصود از عرض بنده این بود اصلاحاتی که فرمودید نمایندگان در نطق خودشان مینمایند اصلاحاتی است که مطلب را هم تغییر بدهد یا اصلاحات الفاظی است این مسلم است اصلاحات باید طوری باشد که مطالب را تغییر ندهد فقط اصلاح الفاظ باشد.

رئیس - همانطوریکه عرض کردم گویا مطلب واضح بود عرض کردم که بعضی مطالبی که پس و پیش و عباراتش غلط میشود اصلاح کنند نه اصلاحی که معنای کلی تغییر میکنند فقط بعضی الفاظی که افتاده است آنها را میتوانیم اصلاح کنیم و چون در

تغییر دستور فراموش شد عرض کنم هیئت اداره مباشرت را هم جلسه دیگر مین باید نکنیم .
مجلس یک ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۳۲

**صورت مجلس یوم شنبه
هشتم ربیع الثانی ۱۳۳۹**

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب بر ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و سه ساعت و ربع رسماً تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه ششم را آقای معاضد الملک قرائت نمودند غائبین جلسه قبل آقای حاجی سید نصر الله - دکتر اسمعیل خان - آقا میرزا ابراهیم قمی - ناصر الاسلام با اجازه غایب بودند .

آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده بودند حاج مصدق الممالک - آقای طباطبائی - حاج آقا - آقا شیخ علی فارسی - آقا سید ابراهیم مدرس - لواء الدوله .

رئیس - ملاحظاتی در صورت مجلس هست **بجهت -** در لایحه منع احتکار که در جلسه آقای مشیر حضور تقاضای فوریت آنرا کردند در صورت مجلس نوشته شده است با اکثریت رد شد و این صحیح نیست بجهة اینکه آن اشخاصی که قیام نکردند معلوم نیست که آنها امتناع از رای کردند یا رد کردند و اینهم هنوز معلوم نیست که امتناع کنندگان جزء رای دهندگان محسوب نمیشوند پس در همچو صورتی باید گفت که با کثرت پذیرفته نشد .

رئیس - تصور نمی کنم تفاوتی داشته باشد ترتیبی که فرمودند با ترتیبی که تا بحال مجری بوده است دستور امروز انتخاب دو نفر اعضای اداره مباشرت قانون منع احتکار را گرفت پیدا کردیم قانون ثبت اسناد در این موقع شروع باخذ آراء از برای دو نفر مباشر مطابق ماده ۹۳ نظامنامه راجع گردید و آقای آقا میرزا ابراهیم خان بطور فرعه استخراج اسامی سه نفر از برای استخراج آراء نمودند و آقایان اسدالله خان کردستانی و شاهزاده لسان الحکماء و مشیر حضور بطور فرعه معین شدند

رئیس - عده اوراق رای در اینجا شمرده میشود و در موقع تنفس در خارج استخراج بعمل می آید یا کتهای رای و مهره های تفتیشیه شمرده و عده ۶۸ اعلام شد .

رئیس - شعبه های دویم و سوم و چهارم رایورت خودشانرا نداده اند خواهش می کنم تا فردا رایورت خودشان را بدهند حالا قانون منع احتکار از ماده دو قرائت میشود .

آقای زنجانی - پیشنهادیکه فرموده اید در جلسه سابق پنج خرداد رای گرفته شد و در دوشنبه دیگر باین پیشنهاد رای گرفتن چون تقریباً همان است صحیح نیست .

آقای شیخ ابراهیم - چون مطابق دیگر هم دارد .

رئیس - چون ماده اول شورش تمام شده در شوز دوم رای می گیریم ماده ثانیه را بخوانید (ماده ثانیه قانون منع احتکار) بمبارت ذیل قرائت شد ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق به حکومت و بلدیة محقق شد که کسی صورت جنس موجودی خود را نداده یا اضافه بر صورتی که داده ابار کرده

حکومت حق دارد با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی جنس انبار را بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد .

مخبر کمیسیون داخله (افتخار الواعظین)
تغییراتی که در ماده ثانیه داده شده است استدعای کنم مرقوم دارند بطوریکه بنده قرائت می کنم (بمبارت ذیل قرائت گردید) .

ماده ثانیه - هر گاه پس از تفتیش و تحقیق به حکومت و بلدیة محقق شد هر کس صورت جنس موجودی خود را ندارد یا اضافه بر صورتی که داده ابار کرده حکومت حق دارد با حضور مدعی العموم با اطلاع انجمن ایالتی یا ولایتی و اداره بلدی در وقت صاحب جنس آن انبار را قبل از انبار سایرین بفروش رسانیده وجه آنرا بصاحب جنس عاید دارد در وقت مدارات البته این تغییرات که در نظر آقایان باشد البته عقاید و افکار نسبت بماده که سابق نوشته شده است بدون این تغییرات است تغییر خواهد کرد .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - این قانونی که اینجا آمده این بهترین قانون است که برای راحت عموم اینجا وضع میکنند ولیکن باید قدری تأمل کرده این طوریکه وزیر داخله گفت اول باید ترتیب اجرا و ترتیب پیشرفت قانون را بنده بعد قانون وضع کرد تا اینکه اسباب رحمت آن ضعیفاتی که می خواهیم اسباب راحت آنها را فراهم بیاوریم نشود و بلاوه دست دولت را هم که باید آنرا اجرا بکنند نهند و مردم را هم از قانون مزجر بکنند و شما که مردم را مکلف کردید که از جنس خودشان صورت بدهند هر گاه صورت ندادند خرمنها را برداشتنند هر کس خریدنی بود خرید هر نس فروختنی بود فروخت ان وقت صورت هائی بدولت دادند اما دولت بآن صورتها اکتفا خواهد کرد یا خواهد کرد پس باید دور دهات و نصیبات و شهرها بلکه تمام خانهها بفتند اسفاسار کنند به بینند در آن خانهها انبار هست یا نه بر فرس صورت داده است و انبار هم در یک جا هست به بینند که صورتی که داده است صحیح است یا خیر نوشته اند در سال آنقدر از برای مخارج خودمان لازم است صحیح است یا خیر این یک اسبابی است که کلیه مردم را متفر میکنند و دولت هم نمی تواند اجرا بکنند و اسباب رحمت میشود هیچ وزارتخانه هم از عهد اینکار بر نخواهد آمد و این اسباب رحمت بهیچ بیچاره خواهد شد باز اگر کاری بخواهند بکنند بمقتده بنده آنستکه در هر جانی که محسول هست اولاد دولت یک نفر مأمور از طرف خودش در آنجا بگذارد به بیند این محسول چه می شود لاجا انبار میشود کی میخورد اینکه بهتر از این است حظه دور خانه ها بیفتند و در خانه های مردم گردش کنند به بینند کی انبار دارد کی ندارد از مقداری که صورت داده بیشتر است یا کمتر بملاوه بعد از آنکه یک چنین کار بزرگی دولت کرد و این همه رحمت بمردم دادند و این قسم اسباب دردسر برای دولت شد آنوقت دیدند بکنند تخلف کردند چه خواهند کرد عوض این تخلف در موقع لزوم مثل اینها که صورت داده اند جنس او را خواهند فروخت این چه مجازاتی است با او عمل میشود همانطور که با آنکه صورت صحیح داده عمل میشود آنهم آنستکه وقتی